باسمه تعالی شأنه

این مجموعه شامل قرارداد و عهدنامه‌هائیست که بین دولت ایران و دولتهای دیگر بسته شده مشتمل بر دو قسمت چاپی و خطی

قسمت اول قرارنامه مورخ ۱۲۶۳ ه که بین ایران و روم بوده در هیجده صفحه

قسمت دوم بشرح زیر است





سواد قرارنامهٔ فارسی که فیمابین دولتین علیتین ایران و روم [illegible] شد

غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته
دلالات آنکه از مدتی باین طرف چون فیمابین
سلطنت جاویدآیت سنیه و دو...

...دت علیه ابدی الدوام با دولت علیه عثمانی
...ی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع
...یفته بود بر مقتضای التیام اساس دوستی
و الفت و ضوابط سلم و صفوت وجهت جامعه
اسلامیه که میان دولتین علیتین در کار و
...کار رسلیمه که طرفین علیتین بدان متصف
...شند بالسویه اینگونه مواد نزاعیه را برو...
...ق و مناسب فخامت شان دولتین علیتین
...کیه بنیان صلح و مسالمت و تشیید

ارکان موالات و مودت از جانب دولتین
علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای
تنظیم و مذاکره مواد عارضیه و تحریر و تسطیر
اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت
قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملک گیر
آرایش تاج و سریر جلال الاسلام و المسلمین
جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین
قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود فی الارضین
حافظ حوزه مسلمانی داور جمشید جاه دارا ب

دستگاه

دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زیب بخش
تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو دریا
دل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان
ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان محمد شاه
ادام الله تعالی ایام سلطنته فی فلک الاجلال
وزین فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال
بنده درگاه آسمان جاه میرزا محمد تقی خان
وزیر عساکر منصوره نظام و غیر نظام که
حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی

وحمایل افتخار خاص سزاست بوکالت
مخصوص ومباهی کشته ونیز از طرف اعلیحضرت
کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر افق
شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین
و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذوالشوکه
والشهامه السلطان ابن السلطان ابن السلطان
عبدالمجید خان جناب مجدت مآب عزت نصاب
انوری زاده السید محمد انوری سعدالله افندی
که از اعاظم رجال دولت علیّهٔ عثمانیه وحائز

لمز

صف اول از رتبه اولی وحامل نشان مخصوص آن رتبه است
مرخص وتعیین شده بروجه اصول عادیه بعد از
نشان دادن وملاحظه ومبادله وکالتنامهای
مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره
آتیه قرارداد شده که درین کتاب مستطاب
بیان ودر مجلس منعقده ارزنة الروم مبادله
میشود **فقرهٔ اوّل** دولتین اسلام
قرار میدهند که مطلوبات نقدیه طرفین را
که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلیهٔ ترک

كنند ولكن باين قرار بتقاولات تسويه مخصوصه
مندرجه در فقره چهارم خللى نيابد فقرهٔ
دويم دولت ايران تعهد ميكنند كه
جميع اراضى بسيطه ولايت زهاب يعنى
اراضى جانب غربى آنرا بدولت عثمانى ترك
كنند ودولت عثمانى نيز تعهد ميكنند كه جانب
شرقى ولايت زهاب يعنى جميع اراضى جباليه
آنرا مع دره كرند بدولت ايران ترك كنند
ودولت ايران قويا تعهد ميكنند كه در حق شهر

وولايت

وولايت سليمانيه از هر گونه ادعا صرف نظر
كرده بحق مالكيه كه دولت عثمانيه در ولايت
مذكور دارد وقتا من الاوقات يكطور دخل
وتعرض ننمايد ودولت عثمانيه نيز قويا تعهد
ميكنند كه شهر وبندر محمره وجزيرة الخضر و
لنگرگاه وهم اراضى ساحل شرقى يعنى
جانب يسار شط العرب راكه در تصرف عشاير
متعلقه معروفه ايرانست بملكيت در تصرف
دولت ايران باشد وعلاوه براين حق حوا
بسند

داشت که کشتیهای ایران بازادی تمام
ازمحلی که بحر منصب میشود تا موضع التحاق
حدود طرفین در نهر مذکور آمد ورفت نمایند فقره
سیم متعاهدین تعهد میکنند که بایستی
معاهده حاضره سایر ادعاشانرا درحق اراضی
ترک کرده از دو جانب بلا تاخیر مهندسین
و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق
ماده سابقه حدود ما بین دولتین را قطع نمایند
فقره چهارم طرفین قرار داده اند

پنجم

که خساراتیکه بعد از قبول اخطارات دوستانه
دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاولی
سنه ۱۲۶۱ تبلیغ وتحریر شده بطرفین واقع شده
وهم رسومات مراعی ارسالی که تاخیر افتاده
برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت وصول
واحقاق شود از دو جانب بلا تاخیر مامورین را
تعیین نمایند فقره پنجم دولت
عثمانی وعده میکند که شاهزادگان فراری
ایران را در بروسا اقامت داده وغیبت آنها را

از محل مذکور رومراوده مخفیه آنها را با یران رخصت
ندهد واز طرف دولتین علیتین تعهد میشود که
سایر فراری بموجب معاهده سابقهٔ ارزنة الروم
عمومارد شوند **فقرهٔ ششم** تجار ایران
رسم گمرک اموال تجارت خودرا موافق قیمت
حالیه وجاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً
بوجهی که در عهدنامه منعقده ارزنة الروم
در سنه ۱۲۳۸ در ماده ششم که دایر تجارت است
مسطور شده ادا کنند واز مبلغی که در عهدنامه

مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود
فقرهٔ هفتم دولت عثمانی وعده
میکند که بموجب عهدنامهای سابقه امتیازاتیکه
لازم باشد درحق زوار ایرانی اجری دارد
تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال
امنیت محلهای مبارکه را که کائن در ممالک
دولت عثمانیست زیارت کنند وهمچنین
تعهد میکند که برای استحکام وتاکید روابط
دوستی واتحاد که لازم است فیمابین دو

دولت اسلام وتبعهٔ طرفین برقرار باشد
مناسب ترین وسائل را استحصال نمایند
تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه
بجمیع امتیازات نائل میباشند سایر
تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور
بوده خواه در تجارت وخواه در مواد سایره
از هر نوع ظلم وتعدی وبی حرمتی محفوظ باشند
وعلاوه براین بالیوزهاییکه از طرف دولت
ایران برای منافع تجارت وحمایت تبعه وتجا

ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم
باشد نصب وتعیین شود بغیر از مکه مکرمه ومدینه
منوره دولت عثمانیه قبول مینماید وعد میکند
که کافه امتیازاتیکه شایسته منصب و
ماموریت بالیوزهای مذکوره باشد درحق
قونسولهای سایر دول متحابه جاری میشود
درحق آنها نیز جاری شود ونیز دولت ایران
تعهد میکنند که بالیوزهاییکه از طرف دولت
عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم

بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه
و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد
میکنند معامله متقابله را کاملا اجری دارند
فقره هشتم دولتین علیتین اسلام
تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت
و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشد
تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و بهمین خصوص
در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند
داد دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهده

هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت
و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع بیاید برآیند
قرار داده اند عشایریکه متنازع فیه میباشند
و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب
و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت
خواهند کرد یکدفعه باراده و اختیار خودشان
حواله شود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است
جبرا باراضی دولت متبوعه آنها داخل
شوند فقره نهم جمیع مواد و فصول

معاهدات سابقه خصوص معاهده که در سنه ۱۲۳۱
در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه
باین معاهده حاضره الغا وتغییر نشده
مثل اینکه کلمه بکلمه درین صحیفه مندرج شده
باشد کافه احکام وقوت آن ابقا شده است
وفیما بین دو دولت علیه قرارداد شده است
که بعد از مبادله این معاهده در ظرف
دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین
قبول وامضا شده بتصدیق نامهای آنرا

مبادله خواهند کرد وکان ذلک
فی الیوم السادس عشر من شهر جمادی الثانیه
سنه ۱۲۶۳

در دار الخلافه طهران صورت انطباع
پذیرفت

جناب جلالت و نبالت نصابا کفالت و مرحمت مآبا مجدت و نجابت اطوارا دوستان اختصاصا معظما

بعد از شرفیابی بساط بوس اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه شدم کیفیت گذرانیدن کمسیون من البدو الی

العتیقین و تعدد خسارات و اتمام کار ایشان را عرضه داشتم و بعد از تسلط دولتین بهیتین فخیمتین این

در عرض چهار سال خلاصه مقال این شد که باید برخی خسارتها را کان لم یکن

شیئاً مذکورا انگاشت و بعض مطالب اولیای دولت علیه روم را در فرق

بعد که بار بالمشافهة العلیة العالیة باین بنده خاکسار خود فرمایش رفته است

زحمات اولیای دولتین بهیتین فخیمتین و اخراجات زیادی که در این امر از

ایشان روی داده هرچند که از آن مرا بسیار بسیار شرم می‌آید زیاده از این

باعث زحمت دوستان باشم بهتر و خوشتر این است که اعراض از این

مقالات باشم شرح این بحران را به جناب ایشان واگذار و دیگر

الامور مرهونة باوقاتها بعد اگر نظر انصاف و احقاق حق گماشته آید

معلوم

معلوم میشود که تا چه حد خسارت اهالی و هتک ناموس و اسیری و نهب و غارت

بطوایف ما رسیده و هیچیک از فرمان دهان جلیل الشأن ممالک محروسه را

تاب استماع نیست تا بتاب تحمل و صبر چه رسد اگر بعضی از اهالی ممالک

قریبه و بعیده معنی این برخی را شنیده باشند ما را از اهالی مسجد و عجز حالی

بفضل الله ما شنیده باز با هزاران عجز و انکسار عرضه داشتم که از امثال این فقرات در روم

همیون محصور در بحث خسارت نمیتوانیم نمود اما اهالی سفارت دولتهای فخیمه بهیه مردمان

بزرگ و ارباب انصاف میباشند و همه خسارتها را رأی العین مشاهده کرده اند

و تصدیق حقیقت اولیای دولت علیه ایران را نموده اند لکن بر ایشان لازم است

کیفیت را به دولتهای عظیمه خودشان بنگارند که انجام کار این و حرف اساس دولت

علیه ایران چنین شد و ایشان از نگارش این مراتب چاره ندارند باز بلفظ مبارک

بالمشافهة العلیة العالیة مقرر فرمودند که این بنده خاکسار رجال شأن چنین بنگارد

که هرچند این املاک مخصوص دولت علیه ایران و مشتهر بر انضباط و لوایح

و کتب جغرافیای اکثر دولتهای بزرگ بهترین شاهد ارباب دانش میباشد اما در اطلاع

به جهت اولیای دولت علیه روم جغرافیای ایران نوشته در حضرت پادشاه

فرایض لازم است که شارع را قطع نموده تعمیر و آبادانی ملکها بپردازیم با مراقبت

اولیای دولتین فخیمتین قرار جنس محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه تعلق به دولت

علیه ایران ولهذا گذشتهها را بدولت علیه باز داده از روی قسمه که گرفته الی موضع
الحاق حدود روم ایران رد خواهند کرد واز این جهت قرار داده شد که از باب تقسیم شود
یعنی کل کوهستانات آن که تعلق بدولت علیه ایران دارد وجلگه متعلق بدولت
علیه روم خواهد بود و من بعد مهندسین مشخص خواهند کرد وتا دولت علیه روم
از دخالت بطرفین کربلای معلی را تمامه همان جلگه زهاب را بدولت علیه ایران
تصاحب خواهند نمود واز جهت کردستان روم عادة سلیمانیه را از سالی که
زمانیده اند و ما بعد ما ادعای دولت علیه روم از قرار تصدیق وغوررسی کلا یکسره
ازبرای تحقیق این فقره مأمور خواهند شد بکار که از جانب دولت علیه ایران کارسازی کنند واز جهت
جوی روان دیاربکر و غیره الی دهنه شط العرب مهندسین دو دولت اسلام حفظ
سرحدات جانبین لاجهه دائمی مشخص بهند ومایه دشمنی نسازند شاید در جانب
یکدیگر تاخت وتاز روی نزد هر دو دولتین علیتین بهم یکدیگر تعهد خواهند کرد که لاجهه رفع
ایلات سرحدنشین دو دولت که پیرات جراءات بکار اندازند بهمین
خصوص در سرحدات قرار گیری نخواهند کرد لهذا دو دولتین علیتین از جهة
هر تاخت وتازیکه از ایلات بهم یکدیگر یکدیگر روی دهد خواهند برآمد

بایلات واحشامات که در قطور واماقای ومحمودی سکنی دارند آزار وایذا
ننمایند قرار این طرفین غیر اولاد خاقان بهر در طالب هر گاه را از بزرگ و
کوچک ایلات وعشایر رعایا وتبعه را که از دنبوده تصاحب نمایند اولاد خاقان
مغفور البیعت بر سایر وه مانع از قرارداده ومکاتبه ومعادله آنها با اهالی
دولت علیه ایران نباشند تجار دولت علیه ایران را رسم گمرک در مال التجاره
خود را از قرار قیمة حقیقی آن ولایت نقداً یا جنساً بطوریکه در عهدنامه معوراست
کارسازی کنند وبدای آنچه در عهدنامه مسطور است چیزی از آنها مطالبه ننمایند
از روار و حجاج ایران هیچ اسم ورسم بر خلاف قاعده وقانون
بجز کلا مال التجاره در دست داشته باشند مراقب عهدنامه اگر چیزی بعنوان
اجحاف زیاده از آنها هیچ وجه نخواهد شد بلکه مرور و امتیازات دینیه
خواهند بود بالیورهای دولتین علیتین اسلام مورد همان امتیازات خواهند بود
در حق بالیورهای سایر دولتهای تحت مرعی است بغیر از دو دقه

بعضی از خسارات متظلمین کربلای معلی و در رم حادثه سیلاقیه همه خسارات
نقدیه و دیگر از طرفین بوقوف دستورک خواهد بود و چیزی فقرات چند نامه
ارزنة الروم که تغییر داده نشده فقط بقرار خواهد بود حسب الامر فرمان
شاهنشاهی دستدار مأمور است آنجناب اعلام نمایید که بندگان اقدس همایون
فقرات مندرجه این صفحه را قبول فرمودند و بنای مصالحه از این قرار
خواهد شد

تحریراً ۲ شهر جمادی الاول ۱۲۶۱

دولت علیه ایران
[illegible]
بعد جمیع فقرات [illegible]
[illegible] مشخصات [illegible] دارد [illegible]
از جمیع دعاوی [illegible] صفحه [illegible]
از طرفین [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
و دولت علیه [illegible]
[illegible]

سراد عهدنامه مبارکه که فیمابین دولتین بهیه ایران و دولت علیه روم بسته شده
ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء، اما بعد الحمد لله المحمود فعاله المحمود فی خلقه
بره و فضائله الذی خص کبرای السلاطین بتاج العز و التمکین عن ان جمیله العواقب.
فیهم سعید المواهب و المناقب و رغب علی الهم کافة المؤمنین سیما سلاطین
ملوک هذا الدین المتین هدایة لا یرفق به الا من استشار له الضمیر و الصفا منه ایسر
سبحانه ما اعظم شانه و اتم برهانه حیث ابرز من الدولتین ما اشتهر من عهود الوفاق
بعد ما ابرز النفاق قواعده و انجز للطرفین ما انتظم من عقود الائتلاف عند ما کشف
مصاف الخلاف لتوزه و مهه تفرع ملاطفة فی الصدور من غل و نفور ازالهم من
القلوب و حرف الکروب عن مکان المحبوب حتی اصبحوا اخوانا علی سرر الالفة
و المصافات و مدت عیون الفتن عمیاء ما بعد ما کحلها مراد و اسنه البدع و المنافرات
کثرة علی ما یهدر لا دواء طرق الهیاء فی سبیله علی اعلانه اهل الشرک فی قلوبهم الحقیقیین من غیب
امیر المرسلین نبیهم فی اتخاذ الحقیقین حزره المسلمین حیث ارشدهم الی الصلاة و لولاهم

بقوله و المؤمنون ید واحده علی من سواهم و ایدهم باخبار ره اصلاح ذات البین
شعبه من شعب النبوة و بشرهم بما یدین الله برضاله و عده و صلی الله علیه و آله و صحبه و جنده
و حزبه و سلم و شرف و کرم ما الصباح من ساعه خورقین العالم من حقایق جامعه الاثار
هیئت سپاس و دقایق لامعه الانوار درود و وفیض و پادشاه لایزال و مالک الملک
بی زوال جل عز دری الادراک سال داه جز من ملعه الحاک کمال صفاته را ابدا
جلال عظمه و ما رکاه و جمال وجه نهیت تعدیم میتواند طلعت ست احسن مکنات و اصولات
و انواع ماهیات را او ایجاد و ابداع و نوع کریم انسانی را که مظهر اسمای نیر
احسن تقویم انشا و اختراع نمود و به موجب لطل و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات
ما تقدیم مراتب کمالات تمیز تفاوت ذات کرد فرد ما نده برکته
ماهیتش جهان متفق بر الهیتش نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم نه بر
ذیل وصفش رسد دست فهم و نفوذ صلاة صلوات متصله الورود و تحیات نیرات
تحیات مسک اند و بحضرت آن سرور انبیا که فی الله بالاد معشر اصفیا و اجمع

احکام شریعت دین را که سینهٔ انبیا و مرسلین علیهم التسلیمات اسما را در بر کرامات
املاها و اغانها و بر ترتیب مسوره و در روضهٔ مطهره ایشان که منبع فیضان انوار رحمات
و سپهر نورانی اظهار غایت تست نثار میشود که ناقص المؤمنون کرجبر و جهد
ترصیع ارکان بصیرت فان مسلمین و منهض و المروی که تسلیمان بید بعضهم بعضا
ترفیع ایوان موحدین کرد رسول عرب شاه امی لقب دلیل عجم رهنمای عرب
از حجت دین مکمل شده بمهر نبوت مسجل شده و درود نامعدود و عزر
غرایب سرره و تعظیمات غیر محدود و مشبهه ان یکه تا زال ابد یقولون الی یقولون
او ولک المتقون و صحاب جناب ر و مهاجر و انصار نثار میشود حقایق مدارای
سنن سید المرسلین سود با توضیح و تبیین و تکید دعائم دین و تمهید قواعد تعلیم و تعلیم
هم انجبا العزرای احمد و هم با بیوه طاهرین تحت انجم علیهم سلام الله ما تاج للدار بین
فی ظلم القمرا ما بعد چون اظهار شعار شریعت غرا و ایضاح مارضیه سنن بتجهیه اتقیار
حقوق احکام آثر و چرا بر امور او مرد و نواهی حضرت حق قابل الا و از رسالت
دیگر

و تبا عمه از اقطار و امصار و ارصار عباد حقانیت معنا و صلحا و اخیار
نمودن یک سنه معاودت اعتبار رونق پیشانه منشور لیاقت و استحقاق امور
شریف طغرای غرای انی جاعلک للناس اماما و بودن پیرایه در قوت و اقتدار
بمقتضای حکمت بالغه صمدانی و ملعاینت زبان نمایت بنا علیه جناب خداوند
خلاق جبر جلاله عز و صمه الاشغال و الاقران ما دلیل آوای اعدلوا اعدلوا هو اقرب
للتقوی ساخ فی ذلک و انصاف را اثبات با تشریف فرمان واجب الاذعان
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم بجهة تکلیف قبول رتبه مطاوعت الکافی دین
و حامهٔ انام امر کرده و بملوک بر ضمیر السلوک نیز که سالک مسالک و طریقه عدل و
انصاف و مالک ممالک رشد و سداد ند بر مقتضای و جعل بینکم مودة صفای موارد
صفوت و مراعات تحیت معاد نموده اند که مظاهر نجات و انما المؤمنون اخوة
میباشند از فرق بس عصا صفوت بر موجب فاصلحوا بین اخویکم بتصیقی مرایای
تره و تجاب ترغیب و در ضمن ان مصادقت و مصافات سعادت طینین دین و مباد

و مراودت ملوک عظام بین باعث آسایش بلاد و مایه آرامش عباد گردیده
خصوص صاحبان رتبه عالیه سلطنت کبری و طبقه سامیه خلافت علیا که از اطوار
اعلیا زانا جعلناک خلیفة فی الارض مشرف اند به جمیع طبقات دولت قدیم
سمات را بعادت خدمت بلند مرتبت حرمین الشریفین شرفهما الله تعالی
الی میقات بغیر قدیمین و صحن درعتبات عالی منازل کعبه و منابع سنت
سینه حضرت رسول الثقلین صلی الله علیه و آله و سلم و محبت آل و اصحاب امام
قبلتین سرافراز بموجب امر لازم الاتباع اولی الامر و اخذ مستمسک الحق جهاد با
فریضه غزا و جهاد حاصل قصب السبق میدان امتیاز شاهد دولت روزافزون را
قرین ثبات و دوام سلسله سلطنت ابد مقرون را بهین استقرار و استحکام
منضم فرموده حرم شکرا علی هذه النعم العظام و شفقة علی خلق الله اجرای اجرا و ابقا
لازمه ذمت دو جانبه همت وقار ذوات گرامی شاه کذلک بحضور مکتب آن سرادار
میدان جلادت جلیه البلاد طهمورث جنگ کیکاوس

وهذا

فرهنگ رستم حشمت اسفندیار آهنگ جوهر حسام مردی و دلاوری سپهدار
عرصه حمیت پروری جهانگیر کشور ایران صفدر رزم تهمتن نشان ابروی
شاهان بلندمکان ممالک ایران زمین حافظ البلاد و عمدة الخواقین سامی
نسبت قاآن منقبت حشمت فر بلندفر کشور عجم السلطان ابن السلطان
فتحعلیشاه ادام الله ایام ملکه تحفه لایق پسندیده دعا اهدا و تقدیم لوازم رسم دعا
بابین وجه بر وجه بیان ترقیم و ترسیم میشود که در میان دولت ابدی الدوام
ما و دولت علیه ایران از قدیم روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و مسالمت
در کار بوده درین چند سال نسبت بحدوث بعضی عوارضات تبدیل بکدورت
و منجر بجدائی شده بود بمقتضای و کیفیت بغیر
و سبب بعدم طرفین و جهت رفع شورش و غوغا و سکون
عباد و بلاد آیات صلح و صفا و اظهار رغبت موافقت لازم افتاد که
نظر بمقتضای شأن و شکوه دولت علیه سزا و لایق چنین نمود که از

الغای حدود قدیمه و عهود سابقه بتجدید مصالحه راغب شدند لهذا عمدة فخام
و عقد و تشیید بنیان مصافات را با رخصت نامه همایون بعهده والی ارض روم
و امین معادن همایون سرعسکر با استقلال جانب شرقی صدر سابق دستور
مکرم و مشیر مفخم نظام العالم مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام
بالرای الصایب ممهد بنیان الدولت والاقبال مشید ارکان السعادة
والاجلال المحفوف بصنوف عواطف الملک الاعلی وزیر محمد رؤف
پاشا ادام الله تعالی اجلاله و از جانب حضرت جم رتبت شاهنشاه ایران با رخصت
نامه کامله صاحب اختیاری و استقلال خاص رفعت آیات جلالت انتساب
میرزا محمد علی زید مجده نیز مامور گشته در محروسه ارض روم مواد مصالحه
و مسالمه بعد از مذاکره طرفین بمقتضای رخصت کامله خود در همین سنه ۱۲۳۸
در روز نوزدهم ذی قعده وثیقه ممهور بمهر و امضا شد اساس و شروط و موادی که
در آن مرقوم است بعینه همین است که شرح و بیان میشود اساس بموجب عهدنامه

مصالحه

مصالحه واقعه در تاریخ هزار و صد و پنجاه و نه مقرر و دستور قدیمه و شرایط
سابقه که در ماده حجاج و تجار و فراری و تخلیه سبیل اسرا و اقامت سفرای معین از
طرفین در دار السلطنه است تماماً و کاملاً بین الدولتین العلیتین مرعی و معتبر داشته و
بارکان آنها و جوانب الحدود فیما بعد عارض نشده ما بین الدولتین العلیتین شرایط دوستی
و مقتضای الفت استیناف گردیده کار رشته منسلک بعد از این هیچه صمصام انتقام و حسام
در نیام نهاده موجبات برودت و کدورت و منافیات سلم و خصومت در میان
دولتین علیتین وقوع و ظهور نیابد و از جمله دولت علیه چه در اثنای حرب و چه قبل از
حرب که بتصرف اولیای دولت مخیمه ایران آمده باشد از قلاع و اراضی
و قصبات و قرا از تاریخ مصالحه لغایت دو ماه بطرف دولت علیه تماماً تسلیم شود
بنابر حرمت مصالحه خیریت ختامه گرفتن اسرا بدون کتمان مرخص نموده تخلیه راه
کنند و زاد و توشه که در اثنای راه محتاج الیه است تا رسیدن بسرحد دولتین از طرفین
ایصال نمایند ماده اول همچنانکه از دولتین در امور داخله دولت دیگری نیز

ندارند و بعد از این از جانب بغداد و طرف کردستان و حدود داخله آنها بحکومت
سنجاق و کردستان بسببی از اسباب و بجهتی از الوجوه از طرف دولت علیه ایران
مداخله و تجاوز و تعرض ننموده متصرفین سنجاق سابق و لاحق را صاحب نمایند و ایلات
حول الحدود مذکوره طرفین که به ییلاق و قشلاق یکدیگر میگذرند برای رسوم عادیه ییلاق و قشلاق
اگر بر علفی و چرائی وقوعی یابد به اطلاع حضرت قمر طلعت دریکتای کامکاری جوهر تیغ جهانبانی افسر
شهامت و جهانداری ولیعهد دولت ایران شاهزاده جوان بخت کامران عباس میرزا
که اراده مصابیح اقبال و اولیای یکدیگر را اخبار نموده به رفع نزاع مذکوره پردازند که مستلزم
کدورت بین الدولتین نشود ماده دویم اهالی ایران که بمکه معظمه و مدینه طیبه و سایر
بلاد روم عزیمت مینمایند ذهاباً و ایاباً بطریق حاج و زوار در راه کسی بر
بلاد اسلامیه با آنان معامله نموده باشیم رسمه خلاف شرع و قانون و سایر وجوه چیزی
مطالبه نکنند و همچنین زوار عتبات عالیات مادام که در دست آنان مال التجاره
نباشد از آنان باج طلب ننمایند و هرگاه در دست آنان مال التجاره باشد حساب نموده

از طریق

از طریق معتاد زیاده مطالبه ننمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار و اهالی
دولت علیه روم نیز همین وجه معامله نمایند و فیما بعد در حق حجاج و تجار دولت
علیه ایران نیز همیشه اجرای همین شرط را وزرای عظام و امیر حاج و میر میران کرام
و سایر ضابطان و حکام این طرف کمال دقت و رعایت کرده و از ارض شام شریف
تا حرمین محترمین در ذهاب و ایاب امین صره و امیر حاج نظر بآنها داشته که خلاف
شرط نشده و حمایت و حراست آنها کماینبغی داشته اگر کسی تعرضی شود امین صره با متعدی
در صدد رفع آن نمایند و چنانچه حرم محترم پادشاهی و شاهزادگان عظام و سایر اکابر
دولت ایران بزیارت حج شریف و عتبات عالیات عزیمت کنند کمال توقیر
و احترام از اسلاف بشود و همچنین با تجار دولت سنیه با تجار روم معامله مینمایند با آنان
هم در آن باب معامله نموده از مال التجاره ایشان از صد قروش چهار قروش زیاده
ونه کره نهایند و در معاملات دیگر مکرر گمرک از ایشان مطالبه نشود و چون
که تجار ایران با اموال و سایر بلاد روم می‌آورند و مقرر بود که یکنوع افتراق نشده

آن قرار موقوف و مرخص باشند که بهر کس خود خواسته باشند بفروشند و تجار اهالی
دولت ایران که بممالک دولت روم آمد و رفت مینمایند بمقتضای جهت جامعه اسلامیه
دوستانه معامله شده از زیاده او ضرار محفوظ باشند ماده سیم در باب
که فیمابین دولتین علیتین متنازع فیه است و اکنون در خاک روم هستند اگر بحدود ایران
تجاوز نموده خسارت رسانند از طرف سرحدداران بعد از این در تصاحب ایشان
کف ید نمایند و هرگاه برضاء خود ایشان رجوع خواهند بولایت ایران بیایند و سرحدداران
روم تصاحب و قبول ننمایند و هرگاه بعد از آمدن بخاک ایران بسرحدداران روم
خسارت و ضرر رسانند سرحدداران ایران در وقت منع تجاوز و تسلط آنها را حمایت
ماده چهارم بر موجب شرط قدیم دولتین علیتین فراری طرفین را تصاحب و قبول
ننمایند و همچنین از جانب دولت علیه روم هر دولت بهیه ایران و از دولت بهیه عشایر
و ایلات که میروند تصاحب و قبول ننمایند ماده پنجم اموالی که از تجار و حجاج
دولت بهیه ایران در ممالک متصرفه دولت علیه بمعرفت حاکم شرع وقیف اموال

مزبور

مزبور نوشته شده بمعرفت حاکم شرع ایلچی دولت علیه ایران از تاریخ عهدنامه
تا شصت روز بصاحبان مال تسلیم شود و از حجاج و زوار ایران چنانچه در راه و سایر
حکام ولایات آنطرف بعنوان جریمه چیزی گرفته باشند وکلا تعیین نمایند که همان زر
در حضور شرع اثبات مدعای خود نموده بعد از اثبات شرعی از دولت علیه بتحصیل
اموال ایشان مصروف شده فرمان در خصوص استرداد اموال ایشان از دولت
صادر شود ماده ششم هر کس از اهالی دولت علیه ایران در بلاد روم فوت شود
و وصی شرعی نداشته باشد مأمورین بیت المال ترکه او را بمعرفت حاکم شرع و ثقات شیعه
که بتفصیل در دفتر نوشته شود در دست امین یا مال حفظ نمایند تا وارث یا وکیل شرعی او
بیاید و بموجب همان سیاهه تسلیم نمایند و رسوم عادیه را مستحفظین مال بگیرند و اگر آن مال
از قضا بسوزد یا تلف شود ادعا نکنند و اگر بعد از یکسال وارث یا وکیل شرعی نیاید همان
ترکه محفوظه در بیت المال را بفروشند و ثمن آنرا حفظ نمایند تا وارث یا وکیل شرعی
او بیاید و اگر از اهالی دولت علیه روم در ممالک ایران فوت شود هم بهمین نهج

عمل نمایند ماده هفتم برای تأکید دوستی و مواد مصالحه دولتین علیتین بر وجه شرط سابق
هر سال یک نفر معتمد از طرف دولت علیه روم بدولت بهیه ایران و از طرف دولت بهیه
ایران بدولت روم مقیم شده و از دولتین علیتین هر کس در اثنا رو بطرفین
آمده باشند بحرمت مصالحه میمونه اهانت و سیاست نشود ماده هشتم آنچه در فقرات
مذکورات بنحویکه تحریر یافته طرفین قبول نموده از هر جانب ادعای رد اموال منهوبه
و ضایعات و مصارفات حربیه را مقضی ماضی انگاشته صرف نظر از آنها نمایند و چون
مقرر بود که ایلچیان وسطا تا انقضاء مدت شصت روز از تاریخ تمسک در سرحد
مملکتین یکدیگر را ملاقات و تصدیق نامه شاهانه بدار بمعاودت حاصل طرفین ایصال
و تسلیم شود تا مصالحه خیریه و معامله حقیقیه از تاریخ تحریر تمسک مزبور معتبر و مرعی بوده از
هر جهة تازه کدورت منتفی و منافی طریقه دوستی و مخالف عهود مشروطه معقوده از
جانبین وقوع نیابد لهذا اما نامه را که مشعر بر توافق قول و قرار جانبین از سفیر
دولت علیه کیانی در دربار خلافت مدار ما واصل شده بقاعده قدیمه دولت روز

افزون

افزون و قانون مستدیمه ابد مقرون دستور اکرم مشیر افخم نظام العالم ناظم مناظم الامم
مدبر امور الجمهور بالفکر الثاقب متمم مهام الانام بالرأی الصائب ممهد بنیان
الدوله و الاقبال و مشید ارکان السعادت و الاجلال مکمل ناموس السلطنة العظمی و
مرتب مراتب الخلافة الکبری المحفوظ بصنوف عواطف الملک الاعلی صدر اعظم ستوده
شیم و وکیل مطلق قوی الهمم السید علی پاشا ادام الله تعالی اجلاله و ضاعف اقتداره و اقباله
مضامین آنرا تلخیص و تسطیر نموده با تحقیقات آن علم عالم شمول ملوکانه ما محیط و شامل گردید
و در حضرت همایون پادشاهانه ما قرین قبول و شرف امضاء آن از خط همایون ابد مقرون
شاهانه نصب و این تصدیقنامه پیدا و علامت خدیوانه تعلق یافته برای ابلاغ آن
جانب مملکت اناطولی با افتخار الاماجد و الاعیان محمد نجیب افندی دام مجده را روان
ساخت بالجمله از طرف شاهانه و شاهزاده ولیعهد و سایر اعقاب سلطنت ایران مادام الدهر
این مصالحه معقوده کما یلیق رعایت میشود از طرف خلافت مقرون ما نیز این عهد و
سوگند و میثاق بر وجه برای تأیید روابط صلح و آشتی و تأکید ضوابط اسلام و دوستی

مرعی است و بعد از این جانبین سنی المناقب شهریارانه در خلاف نصفت انصاف
ملوکانه و وزرای عظام و خدام عالیمقام این دولت علیه کاینا ما کان مبرهن خلاف
نمی‌کنند باقی همواره قوایم و دعایم سریر شاهی استوار و قواعد اریکه جمجاهی خسروپناهی
برقرار باد بالنبی و آله الاخیار من المهاجرین و الانصار تا وزرای نظم مصالح در جهان
کس درون پرده تقدیر نیست کار دوران شهی که نظام جهان ازوست باد بفضل حق

ابد الدهر پایدار

الحمد لله رب العالمین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول که به ملاحظه صرفه و صلاح
تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی و وسعت دادن بصنعت تجارت و تشویق این امر مهم که
از مصالح معظم دولت است چنین یافته‌اند که هیچ مقدمه مانند انعقاد عهدنامه باین مهم جسیم معین
و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب دیده‌اند که بعد از این مابین دولتین و تبعه
و تبعه ایشان اساس دوستی و اتحاد گذاشته شود موافق عهدنامه مبارکه دوستی و تجارتی که بر نور حقانیت علاوه است
در اینجا ثبت است برقرار و پایدار باشد برای انجام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت شمس

برج جلالت نخبه سلاطین زمان وارث تاج و تخت کیان صاحب جیش ار ممالک
وسیع الملک ایران ظل الله فی الارضین کهف الاسلام و المسلمین السلطان ابن السلطان
ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه قاجار ابد الله ایام
سلطنته از طرف قرین الشرف خود عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی
عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر تمثال
صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید مرصع و صاحب دو حمایل فخیم سبز و سرخ
و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در ضمن اختیارنامه جداگانه در خصوص
وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بر زبیر هیبت و جاه در خیابان سلطنت شکوفه
نونهال بوستان جلالت السلطانه دونیا ایزابل ثانیه که بنام نامی ایشان در ایام صغر سن
امور سلطنت بلقب ولیعهدی بحضرت مال حرم محترم و صاحب اختیار مملکت و ملکه گوارز
مربوط و محول است از طرف خود میرآن تونه ویع کاردو صاحب نشان بسیار
معتبر و ممتاز چارلز سیم پادشاه ممالک اسپانیول و صاحب نشان امیر قان سلطان

از جانب کاتولیک و صاحب نشان عیسی دولت پورتقال و صاحب نشان صور
دولت یونان و صاحب نشان جیبن کر مقدس قبر المقدس و صاحب نشان اول
افتخار دولت علیه عثمانیه جنرال سرتیپخانه حضرت سلطان از جانب کاتولیک نویسنده خاص
پادشاهی وزیر مختار دولت مشار الیها در آستانه علیه بود از قرار نوشته وکیل مطلق
و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از ارائه دادن و ملاحظه نمودن اختیار نامه
یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه یافته قرار عهدنامه مبارکه را در ضمن هفت ماده آتیه این
تنجیح دادند ماده اول بعد الیوم مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول
و تبعه طرفین الی انتها اتحاد اساس دوستی صادق و محبت و مولات دائمیه باید در
قرار باشد ماده دویم تبعه دولتین علیتین ماذون باشند که با آزادی و امنیت تمام
بمملکت یکدیگر آمد و شد نمایند و معامله و تجارت و سیاحت کنند و خانه و دکان و حجره
و انبار بقدر ضرورت امور کرایه سازند و از طرف مباشرین دیوان
بهیچوجه ممانعت نشود بلکه پیوسته احوال ایشان را مراعات نموده دقت کنند که

بسیاحان

بسیاحان و تجار طرفین خوش رفتاری شود و بقدر مقدور باسترحت و آرام آنها
بپردازند و در وقت ضرورت احکام و پاسپورت و عبور با آنها مرحمت که کسی مانع
نشده حمایت از آنها کنند ماده سیم در حق تبعه دولتین ذی شوکتین که بعنوان معامله
و تجارت و یا بطریق سیاحت مملکت یکدیگر بروند مستمانیه از زمان ورود و تا وقت
خروج لازمه احترام مرعی شود و از آنها بهیچ اسم و رسم جواب مطالبه نکنند مگر اینکه از امتعه
آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثل تبعه دول متحابه گمرک گرفته شود
ماده چهارم دولتین علیتین بجهة آسایش و اطمینان تبعه خودشان که بخاک یکدیگر
آمد و شد خواهند کرد ماذون خواهند بود که در محل مناسب وکیل تجار اقامت کند
دولت علیه ایران ماذون خواهد شد که یک قونسول تجار از طرف دولت بهیه
اسپانیول در دار الخلافه طهران و یک نفر دیگر در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین
دولت بهیه اسپانیول راضی خواهد گشت که یک قونسول از طرف دولت علیه
ایران در مدرید پایتخت دولت مزبوره و یک نفر دیگر در بندر برصلون و یا

بعوض محل ثالثی در یک بندر دیگر که دولت علیه ایران مناسب دانسته یکی از تجار
نصب نمایند ماده پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعه
دولتین متعاهدتین مملکتین نزاع و اختلاف اتفاق افتد آن نزاع باید که باحضار و اطلاع
وکیل تجار و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود
و اگر کار یکنفر تاجر از تبعه دولتین علیتین معیوب شود و یا شخص ادعای افلاس
نماید باید در ملاحظه دفتر و اسباب و مرسول اموال و مطالبات او باطلاع وکیل تجار
و یا ترجمان آن دولت قسمت غرما بشود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی بماند
ارباب طلب او باید ذمه او را بری نمایند تمسکات او را رد نمایند و همچنین وقتی که
یکنفر از تبعه دولتین فوت کند باید جمیع متروکات و دفتر او بوکیل تجار آن دولت
تسلیم شود قرض و طلب او باحضار وکیل تجار موافق شریعت مملکت مجری شود ماده ششم
اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد باید از این
راه ضرر بدوستی که مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول بهیچوجه خلل و

قصور

و قصوری نرسد ماده هفتم این عهدنامه دوستی و تجارت که مابین دولتین بهیه
گذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده و اختیارداری خداوندگاران امنای
دولتین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دائم مرعی داشته بهیچوجه بارکان آن خلل نخواهند
رسانید و تا شاه در مدت پنجماه و یا کمتر عهدنامه مزبور بامضا و مهر امنای دولتین
علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد خاتمه این
هفت ماده که بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بسیاق واحد انجام پذیرفته
بعد از مهر و امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول بتاریخ ۳ مرچ مطابق ۲۰
محرم سنه ۱۲۵۸ و سنه ۱۸۴۲ عیسوی عرض مبادله گردید

صورت عهدنامه که بسفارت عالیجاه میرزا رضا با دولت فرانسه بسته شده

چون درین اوان سعادت نشان و زمان میمنت قران خدیو فلک جاه سلطنت
دستگاه امپراطور ممالک فرانسه و پادشاه ایطالیا بنای الفت و اتحاد با اعلیحضرت
قدرقدرت قضا بسطت خورشید رایت شاهنشاه صاحبقران و خسرو گیتی ستان [illegible] شاه
انجم سپاه افلاک علم وارث تختگاه کسری و جم فرمانفرمای ممالک فسیحة المسالک
ایران و عجم السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر
فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه گذاشته بجهة تشیید مبانی الفت و وفاق و تبیین علائق و تجدید
عهد مودت و اتفاق سلطنتین بهیتین از دو جانب با رخصت کامله تعیین گردید از
از طرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا وزیر اعظم و کاتب سر امپراطوری صاحب
حملک همیون و شرف نشانهای دولتی موسیو هوک برنار ماره مامور گردیده و بستن
عهد و شرط با بنده آستان فلک بنیان پادشاهی و مقرب درگاه سپهر اشتباه
شاهنشاهی سفیر دولت علیه قرار او بر قرین میرزا محمد رضا وزیر دار السلطنه قزوین

که اشته

گذاشته بمقتضای صلاح دولتین علیتین با یکدیگر مکالمه و مجاهده نموده از قرار شرح مسطوره
ذیل مواد مرقومه را با نامه اختیار نموده که من بعد ادبای دو دولت کبری و [illegible]
سلطنت عظمی رضانامه اهالی و مقتضی و بعدها این مقرون بصحة التقیم بکار خانه ماده اول
آنکه فیمابین اعلیحضرت قدرقدرت پادشاه فلک بارگاه ایران و جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا صلح مؤبد منعقد و من بعد با یکدیگر بنای الفت و وداد و مراسم محبت و اتحاد را
مرعی و منتظم دارند و بین الدولتین العلیتین کمال وفاق بوده باشد ماده دوم آنکه جناب امپراطور
اعظم بمقتضای مراسم دوستی و موافقت با دولت علیه ایران متعهد و کفیل گردیده که منبعد هر
رخنه در خاک ایران نماید چنانچه احدی خواسته باشد که بعد ازین دخلی در خاک
ممالک ایران نماید جناب امپراطور اعظم با پادشاه سپهر حشمت ایران کمال امداد و تقویت بعمل آورد
بدفع و تسخیر پرداخته و آنچه اوقات ممالک بوده از ناحیه و بهیچوجه بخود وا نگذارند ماده سیم
آنکه جناب امپراطور اعظم اذعان و شهادت نمود که ملک گرجستان ملک حلال و موروثی
اعلیحضرت پادشاه ایران است و حقیقت مطلب نزد جناب امپراطور مشهور و معلوم است

مادهٔ چهارم آنکه جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا در خصوص اخراج نمودن
طایفهٔ روسیه از ملک گرجستان و تمامی خاک ایران بر ذمهٔ پادشاهانهٔ خود لازم و قرار داده
و متعهد که طایفهٔ مزبوره را ابتدا و قهراً از جمیع خاک ایران اخراج نموده و بالکلیه ترک مرز و
کشور ایران نمایند و چنانچه با روسیه بنای عهد صلح نمایند این شروط از جملهٔ شروط عهدنامه
ایشان قرار داده و بطریق مهر و مودت در خصوص کوتاهی ننمایند و کمال تعهد در
باب این مطلب فرموده به همت عالیهٔ خود واجب و لازم شناخته‌اند مادهٔ پنجم آنکه از طرف
قرین الشرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا یکنفر سفیر معتبر رخصت که از متعین
آمده در دربار فلک بنیان اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه جم جاه ایران اقامت نموده
بحکم ملکداری و صلاح اندیشی و یگانگی تمام نماید مادهٔ ششم آنکه هرگاه پادشاه عالی جاه
جهان آرای اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اشتیاق فرمایند که عساکر پیاده و توپچی بر طرز
فرنگ تعلیم و مهیا نماید و بعضی قلعه‌ها بضابطهٔ قلعهٔ فرنگ بنا کند از جناب امپراطور فرانسه
و پادشاه ایطالیا بنا بر این مطلب توپ عراده و تفنگ حربه در اسرع اوقات آنچه ضرور و لازم

بود

بوده باشد بصوب ایران ارسال و قیمت آنها از قرار قیمت فرنگیان نیز کارکنان جناب
امپراطور اعظم داده شود مادهٔ هفتم آنکه در دولت علیهٔ ایران هرگاه خواهش نمایند
که بطریق قلعه‌های فرنگ قلعه ساخته باشند و توپخانه بقاعدهٔ فرنگ ترتیب و عساکر
پیاده بضابطهٔ فرنگ تعلیم نمایند هر قدر توپچی و مهندس و تعلیم‌چی لازم بوده و او
فیسال معتبر ضرور شود جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا متعهد گردید که ارسال
بصوب ایران نماید که در آنجا ترمیم قلعه و ترتیب توپخانه و تعلیم عساکر پیاده نمایند
مادهٔ هشتم آنکه بنا بر موافقت این دو دولت بهیه از جانب شوکت جوانب
اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه جم جاه ممالک ایران در هر جهت قطع مکاتبه و مراسله با
قرال انگلیس کرده و از جانب دولت علیه ایران متعهد شد که بنای خصومت با ایشان
گذاشته بجهت دفع ایشان عساکر روانه نمایند و بنا بر این مطلب ایلچی سرکار شوکتمدار پادشاهی
که بجانب هند و انگلیس رفته بازرجاع و احضار او امر فرمایند و از جانب انگلیس و کمپانی
آنچه بالیوز و وکلای قرال انگلیس در بوشهر یا در جمع ولایت ایران اقامت

نموده باشند انهارا مطرود و اموال و امتعه انگلیس ضبط شده تجارت ایشان را
براً و بحراً از جانب ایران مقطوع نمایند و فرمان قضا جریان پادشاهی در این خصوص
در همه جزو شان صدور کرده و در اثنای این مصالحه از طرف انگلیس بجهة سفارت
یا بهانه دیگر هر گونه سفیری که بجانب آستان ملک بنیان پادشاهی عزیمت نماید ایشان را
مطرود و مردود نمایند راه نه دهند ماده نهم آنکه هرگاه دولتین روسیه و انگلیس با هم اتفاق
نموده بجانب دولتین علیتین فرانسه و ایران عزیمت و حرکت نمایند این دو دولت نیز
باتفاق یکدیگر برفع انها اقدام نموده از روی موافقت و اتحاد بمخاصمه و محاربه و جدال
انها پرداخته چنانچه بجانب یکی از این دو دولت بنای سفر و حرکت نمایند دولتین علیتین
ایران و فرانسه یکدیگر را خبر نموده برفع انها پرداخته و آنچه در ماده سابقه مرقوم شده
از ضبط اموال و امتعه ایشان بطریق مشروح در ماده فوق عمل نمایند و در موافقت و رفاقت
و اعانت یکدیگر بهیچوجه من الوجوه کوتاهی و اهمال و مسامحه و اهمال جایز ندارند
ماده دهم آنکه اعلیحضرت پادشاه سپهر بارگاه ایران موافقت و مطابقت فرموده

افواج

از صوب افغان و قندهار رو آورده تسخیر بنا و تهیه جنود و فراهم در ولایتی که متعلق بخود
معین کنند بجهة تسخیر و تصرف ممالک هندوستان متصرفه انگلیس عساکر و جنود منصوره
پادشاهی را مأمور و ارسال فرمایند و ولایات متصرفه انگلیس را ضبط و تسخیر نمایند ماده یازدهم
هرگاه کشتی فرانسه از صوب بنادر مملکت ایران ظهور و عبور نماید و بعضی تدارکات
و جزئیات و جزئی اشیاء و ضروریات برای انها در کار شود و لازم گردد اهالی بنادر
با ایشان محبت و معاونت نمایند و در تدارک انها لوازم دوستی را بعمل آورده اعانت
نمایند ماده دوازدهم آنکه جناب امپراطور اعظم خواهش نمایند که من بعد هرگاه بجانب
هندوستان بجهة دفع انگلیس فرستادن لشکر ضرور شود و قشون فرانسه که از جانب خشکی
سپاهی بجانب هندوستان ارسال نمایند اعلیحضرت پادشاه ایران اذن و اجازت
با ایشان عنایت فرمایند که از هر راه و از هر طرف که رای جهان آرای شاهنشاهی
اقتضا نماید بانها رخصت داده روانه هندوستان شوند و سپاه ایران نیز با ایشان موافقت
نموده باتفاق عزیمت تسخیر هند نمایند و من بعد در هر وقت که این اراده و عزیمت را

داشته باشند موقوف است بر اینکه مجدداً اولیای دولت علیه ایران در خصوص اظهار نظر
چنانچه رای عالم آرای پادشاهی اقتضا فرماید و رخصت عبور بایشان بدهند عهدنامه
مجددی درین خصوص فیمابین دولتین علیتین ایران و فرانسه قلمی در راه عبور فرانسه
وکمیت لشکر آنها را که چه قدر بوده باشند و اینکه ذخایر و ضروریات ایشان در کدام
راه و کدام منزلها تدارک شود و چه مقدار سپاه ایران همراه بوده باشند همه را قرار
داده معهذا باذن و رخصت اعلیحضرت پادشاه جمجاه ایران روانه هندوستان شوند و در
خصوص این مطلب باید باذن و رخصت شاهنشاهی عهد دیگر و علاحده نوشته شود کمترین بنده
درگاه جهان مدار بتعهد این مطلب نتیجه داده مجدداً موقوف است بعرض اولیای دولت قاهره
دادن شاهنشاه عالم پناه است ماده سیزدهم اینکه هرگاه بجهة کشتیهای فرانسه در حین
عبور از بنادر ایران بعضی اشیاء و ذخایر ضرور شود اهالی بنادر بقیمت فروخته شود و
از فرانسه بازیافت نمایند و همچنین هرگاه در حین عبور سپاه ایشان از راه خشکی ذخیره
و بعضی اشیا ضرور شود بنحویکه در ماده سابقه قلمی شده ذخیره و آنچه بکار آنها ضرور باشد

اهالی ایران بایشان فروخته از قرار قیمت ایران بهای آن را بازیافت نمایند ماده چهاردهم
اینکه شروطی که در ماده دوازدهم مرقوم شده محض دولت فرانسه است با دولت روسیه
و انگلیس هیچ بوجه من الوجوه شروط مزبوره قرار داده نشود و در هیچ صورت بایشان راه عبور و مرور
نخواهند داد ماده پانزدهم اینکه بجهة آمد و رفت تجار بنا بر اتفاق دولتین و امور متعلقه
بتجارت در دار السلطنه طهران بخاک پای مبارک اعلیحضرت پادشاهی عرض شده قرار
داده بجهة امور مزبوره که لازم شود عهدنامه مجددی درین خصوص مرقوم نمایند ماده شانزدهم
اینکه ان شاء الله تعالی این عهدنامه در دار السلطنه طهران بعد از چهار ازین تاریخ تبدیل
شده رضانامه بمهر مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی مزین شده تسلیم اولیای
دولت فرانسه و بمهر جناب امپراطوری رضانامه ایشان تسلیم اولیای دولت علیه ایران
شود تحریراً در اردوی جناب امپراطور اعظم که محل فنکنستین بوده باشد فی [illegible] شهر صفر المظفر
و شهور سنه ۱۲۲۲ من هجرة المصطفویه علیه و آله آلاف التحیة و الثناء

صورت عهدنامه که وکلای دولت ابد مدت علیه ایران با سر گور اوزلی ایلچی دولت بهیه انگلیس بسته‌اند

الحمدلله الوافی الکافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلیست که از گلزار یکجهتی و اتفاق

رسته و بدست وکلای حضرتین علیتین برسم عهدنامه مفصل بر طبق صدق و خلوص پیوسته میگردد

چون قبل از این عالیجاه زبده الامرا سر هرفرد جونس بارونت از جانب دولت علیه انگلیس

بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود در عهدنامه مجمل فیمابین

وکلای دولت علیه ایران جناب الکفات انتخاب صدر الوزراء العظام فخر الصدارة

والوزارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدر اعظم و امیر الامراء الکرام المؤتمن الحضرة العلیة

العلیه امین الدولة البهیة العلیة قوام الجلالة والنبالة حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک دیوان

معظم با عالیجاه مشارالیه که وکیل و سفیر دولت بهیه انگلیس بود شروطی چند که تبیین و تعیین این

تعهدنامه مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بود حال که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و شجاعت

همراه شهامت و صداقت آگاه فطانت و درایت آگاه دولتخواه بلا اشتباه

سر گور اوزلی بارونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهود و انجام مقاصد حضرتین

[illegible]

شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی جاه و از جانب آن فرخنده دولت وکیل

و کفیل مهمات یکجهتی است وکلای این همایون حضرت قاهره بصلاح و صوابدید مشارالیه

شروع در تنقیح عهود کرده و تنقیح مقاصد از قراریست که در فصول لاحقه از ده گانه

شرح داده خواهد شد و امور متعلقه بتجارت و معاملات ملکی از قراریست که در عهدنامه

تجارنامه جداگانه معین و مفصل خواهد گشت فصل اول اولیای دولت علیه ایران

بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه مفید از هر عهد و شرطی که بهر یک از دول متهاجمه

فرنگ بسته‌اند باطل دانسته لشکر سایر طوایف فرنگی را از حدود متعلقه بخاک ایران

راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که اراده

دخول مملکت ایران شوند اگر طوایف مزبور خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان یا بخارا

و سمرقند و غیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و حکام آن

ممالک را مانع شوند از راه طوایف مزبور را با زور لشکر خود یا از راه تدبیر و

خواه از راه رفق و مدارا فصل دویم اگر دشمنی از طوایف فرنگ بمملکت ایران آمده با

باید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت و امداد نمایند
فرمانفرمای مملکت هند از جانب دولت بهیه انگلیس هرگاه امکان و قدرت داشته
باشد بقدریکه خواهش اولیای دولت علیه ایران باشد عسکر و سپاه از مملکت هندوستان روانه سمت
ایران نماید و اگر بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن عسکر امکان نداشته باشد هر ساله مبلغ
دویست هزار تومان بجهت اخراجات سپاه سرکار دولت علیه ایران مرحمت نماید مادام که جنگ
و جدال با طوایف مزبوره در میان باشد وجه مزبوره برقرار و کارسازی شود چون وجه نقد
مزبور برای نگاه داشتن قشون است ایلچی دولت بهیه انگلیس را لازم است که در رسیدن
آن به قشون متحضر و خاطر جمع شود و بداند که در عهدات مرجوعه صرف میشود فصل سیم اگر احیاناً
پادشاهی از فرنگ را که با دولت علیه ایران نزاع و جدال دارد با دولت بهیه انگلیس مصالحه
دعاگوی اعلیحضرت پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیمابین الطایفتین رفع
دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی حسنه پادشاه ذیجاه انگلستان بلا اثر گردد
مرقومه فوق از مملکت هند عسکر و سپاه بکومک ایران مامور کند یا آنکه دویست هزار تومان مقرره را

برای

برای خرج عسکر وغیره کارسازی اولیای دولت علیه ایران نماید و این اعانت و امداد را
مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و رفع جدال نشود و آن طایفه
با اولیای دولت علیه ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند و شروط مرقومه مفصله در این امداد
کوتاهی ننمایند و در صورتیکه صلح فیمابین آن طایفه و دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد باز هر وقت
اولیای دولت قاهره علیه ایران خواهند در جنگ و جدال با آن طایفه معلم وغیره بجهت تعلیم
و تعلیم سپاه ایران در مملکت ایران متوقف باشد و اگر فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه
فرنگ نیز مصالحه واقع شود باز معلم وغیره را که بجهت تعلیم سپاه ایران خواهند اولیای دولت انگلیس
بشرط فراغت وقت مضایقه در این باب مضایقه ننمایند فصل چهارم چون قرارداد مملکت ایران
در این باب که مواجب قشون شش ماه بشش ماه پیش داده میشود و قرار داده شد که بعوض عسکر
از دولت بهیه انگلیس داده شده چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه حسب الحکم
شهر زودتر و بیشتر مهما امکن نماید فصل پنجم هرگاه طایفه افاغنه با اولیای دولت بهیه انگلیس
نزاع و جدال داشته باشند اولیای دولت علیه ایران لشکر تعیین بکنند بطوریکه مصلحت دولتین باشد

بدولت بهیه انگلیس اعانت و امداد نمایند و وجه خرجات آنرا از اولیای دولت بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل خواهند کرد اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف کومک و امداد نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند

فصل ششم در صورتیکه در سواحل دریای قلزم چوب و اسباب مهیا شود شاهنشاه ایران خواهش فرمایند که در حوزهای بحر مزبور کشتیهای جنگی سازند پادشاه ذیجاه انگلستان اجازت بمعلم و عمله و کشتی ساز و غیره هم از دارالسلطنه لندن و هم از بندر ممبئی نمایند که بخدمت شاهنشاه ایران حاضر و بخدمت مرجوعه مأمور شوند و مواجب و اخراجات آن با سرکار پادشاه جمجاه دولت علیه ایران باشد بنوعی قراریکه با اولیای دولت بهیه انگلیس داده شود

فصل هفتم اگر از امرای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید بمحض اشاره امنای دولت علیه ایران انگلیس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرفته او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن او انگلیس بولایات مزبور

اشاره رفته از امنای دولت علیه ایران درباره او بحاکم آن حدود و سرحد انگلیس رخصت فرمایند آنرا نه هند و بعد از ممانعت اگر انگلیس فرد مزبور را گرفته روانه ایران نماید

فصل هشتم اگر در بحر العجم اولیای دولت علیه ایران را امداد ضرور شود اولیای دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغ بال در آنوقت کشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت قطع و فصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن بنادر و لنگرگاهها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورتی عبور نکنند

فصل نهم مواجب صاحبان منصب و معلم و عمله و غیره را امنای دولت بهیه انگلیس خواهند داد و هرگاه شاهنشاه جمجاه ایران بخواهند که کسیکه بخدمت ایشان مشغول باشد در عنایت خسروانی بهره یاب شود از وفور عنایت موجب تخفیف صاحبان و معلمان و عمله

صاحبان و سرداران			مهر		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سرکردگان انگلیس			سرکردگان [illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مرحمت ... سرکار [illegible]

[illegible]

که اکنون در رکاب ظفر انتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضر و مشغول خدمت میباشند و اکثر
ذره‌جانان مرتبهای مفصله مذکوره که بعد از این حاضر شوند در صورتیکه در خدمت مشخص شده است موافق
مرتبه بهر یک انعام داده خواهد شد و هر یک از ایشان که بسیار متمیزین و حاضرین بزرگتر
و حکمران باشند نصف آنچه موافق مرتبه برای او مقرر و مشخص شده است علاوه انعام داده خواهد
داد اگر نسبت بیکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی کند بعجز و اظهار بیتجربگی از حضرت
شاهنشاه را نیز خواهد شد فصل دهم و چون منظور دو پادشاه جمجاه است که این عهدنامه
تا ابد الاباد و ما بین اولاد و احفاد هر دو پادشاه برقرار باشد از هر دو طرف بهر ایران و انگلیس
قرار داده چنین شد که هر یک از گرامی فرزندان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت
و زینت بخش سریر سلطنت باشند با دولت دیگر عهود یکجهتی و دوستی را پایدار نداشته
[illegible] اتفاق و اتحاد و ولیعهدی که از دولتین علیتین محتاج

باعانت

باعانت جبری از دولت دیگر گردد بطریقی که پیشرفت و صلاح دولتین
و مملکتین منعقد و طرفین بالکل مضایقه و کوتاهی در امداد و اعانت نخواهند
و اعانت و امدادی که الحال از قرار تفصیل فصول سابقه درین عهدنامه میمونه
مشخص شده است باید با ولیعهد نیز مستمر و برقرار باشد فصل یازدهم چون از قراری که
بر اولیای هر دو دولت واضح و از مکنون دل و ضمیر یکدیگر واقف شده‌اند
منظور ازین عهد موالات ازدیاد قوت هر دو دولت و وسعت هر دو مملکت
و هر یک را اشتهار و فخر این است که تقویت یکدیگر کرده بامداد یکدیگر
بر مملکت طرفین افزوده باشند و مطلب و خواهش اولیای دولت بهیه انگلیس
این است که دولت علیه ایران روز بروز زیاده قوی و مستحکم گردد و از خارج
کسی شورش و خلل در مملکت ایران نماید و با امداد دولت بهیه انگلیس مملکت
علیه ایران [illegible] تر گردد اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین
شاهزادگان و با امرا و سرداران مناقشه و نزاعی روی دهد دولت بهیه انگلیس را

دران میانه کاری نیست تا شاه وقت خواهش نماید و چنانچه اگر حرب از
سائر ایلهم و ولایتی و ممالکی ازرفاک متعلقه با ایران را با دولت بهیه انگ
که بازای آن کومک و اعانتی نماینه هرگز او با دولت بهیه انگلیس این اقرار قایل
نگرده پراموش آن نخواهند گشت و ضرر و تصرف در ممالک متعلقه با ایران هرگز
نخواهند نمود تمت الفصول بالیمن و السعادة امید که این عهد میمون خجسته با فواید و منافع
نیک تا ابد منعقد و پیوسته باشد این عهدنامه میمون را که وکلای حضرتین علیتین باتمام
تصدیق و رای مشحون بفصول دوازده گانه محکم و منعقد داشته و بخط و مهر که اتمام
۱۲۲۷
بتاریخ چهاردهم ماه مارچ هزار و هشتصد و دوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهر صفر المظفر
هجریه مصطفویه علیه اجر السلام و التحیه دبتحریر در دار الخلافه طهران صانها الله عن الحدثان

صورت شرحی که نایب سلطنت عظمی و ولیعهد خلافت کبری مرقوم فرموده‌اند

چون اعلیحضرت قدر قدرت فلک رتبت شاهنشاه عالم پناه نیابت سلطنت دولت
ابد مدت را بروجه عوض فرموده‌اند قبول نمود حسب الامر علی الهی مودت بزرگانه

خود لازم

خود لازم شمردیم که همین عهد میمون خجسته که فیما بین دولتین علیتین بسته و محکم گردیده است
شروطی که در عهدنامه میمونه مبسوط و مشروح است حال تحریر الی انقراض زمان فیمابین
ما و اخلاف کبار این دودمان خلافت نشان با حضرت ولیعهد دولت بهیه انگلتره
و اخلاف آن دولت مستمر و برقرار باشد و تخلف و تجاوز در آن نرود تمت

صورت عهدنامه که با دولت انگلیس بتوسط مستر ایلس بسته شده

چون در این اوان سعادت نشان سفیر بی نظیر روشن ضمیر صاحب تدبیر جناب خجسته شان
همایون مستر الیس عالیجاه و عمدة الاعاظم المسیحیه سپهر فرد با رفعت از جانب سعادت
حواجب شهریار نامدار کامکار خسرو عدل گستر ملک ربع اقتدار نظم آرای مناظم کشورستانی
صدرنشین ارائک سلطنت و جهانداری شرف افزای سپهر جلالت و بختیاری
خدیو با دل عادل دارای ابر کف دریا دل پادشاه ذیجاه فلک
دستگاه ممالک فتح ممالک انگلستان و هندوستان ادام الله ملکه

ایام سلطنته الباهره برسم سفارت با نامهٔ همایون پادشاهی وارد آستان
سپهر نشان و شرف اندوز تقبیل عتبهٔ علیهٔ اعلیحضرت قدر قدرت قضا همت
کیوان حشمت جهان داور خدیو مکرم فلک پایه خسرو اعظم بلند اختر دارا
انجم خدم مالک رقاب الامم عز الاسلام و المسلمین عون الملة و الدین
قهرمان الماء و الطین شهریار جم اقتدار کشور خجسته اثر ایران و توران لا زالت
مشارق اقباله مطالع کواکب الاجلال گردیده بود و وکالت نامهٔ معتبر بمهر
ممهور به مهر مهر آثار پادشاه والاجاه معظم الیه در تشیید مبانی یکجهتی و الفت دولتین علیتین
وکیل مطلق و معتمد مختار بود و از طرف بهی الشرف شاهنشاه سپهر بارگاه ممالک ایران
نیز نوابان رفیع جایگاهان نبالت و جلالت پناهان عزت و اقبال دستگاهان
حشمت و حشمت همراهان مقرب الخاقان صدر الوزرای اعظم معتمد الدولة
العلیة العالیة الباهره میرزا محمد شفیع وزیر اعظم و امیر الامراء العظام امین الحضرة
البهیة العالیة الباهره حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک دیوان همایون از قرار فرمان

اشرف

اشرف همایونی وکالت مطلقه تفویض رفته که با عالیجاه ایلچی سابق الذکر به تمهید شرایط مودت
و یکجهتی و وفاق دولتین پرداخته ارکان اتحاد حضرتین بهیتین را بنوعیکه مستلزم صلاح
طرفین باشد مستحکم و مشید ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشار الیهم بعد از انعقاد مجالس عدیده
و طی مقالات و مکالمات لازمه باستصواب و رضای یکدیگر بنای عهد و میثاق و داد
سترده بیک نهج و وفاق فیمابین دولتین علیتین چنین معاهده کشته برادری
هر دو دولت لازم و ثابت نمودند که از این پس هر یک بهیچ عهدی از شروط
از شروط متروک و مهمل نگذارند فصل اول چون نقض شروط و تفسیح وثیقهٔ
جانبین موقوف بمکالمات گوناگون و مجالس متعدده و عجالة الوقت این وثیقهٔ
میمونه که عهدنامهٔ مجمل است مرقوم میگردد تا تاریخ نوشتن و اتحاد در ابنیاد دولتین باشد
و مکنونات ضمایر جانبین را انبساطی حسن و قرار داد یکه بعد عهدنامهٔ مفصلی مشتمل بر
جمیع مقاصد که تمامی شرایط و ضوابط مرقوم بخط و مهر وکلای اعلاحضرتین مختوم گردد دولت
یکجهتی دولتین ایران باشد فصل دوم بعد از آنکه این عهدنامهٔ خجسته که در میان علیجاهان دولتین

مدت بمدت صدق و راستی بسته‌اند از هر گونه تبدیل و تغییر مصون و روز بروز
مراعات و مقتضیات یکجهتی و یگانگی در میانه افزون باشد و بموجب مواعدت و مواثقت
میان این دو پادشاه جمجاه و الاجاه اعلیحضرت ملک سلطان و ولیعهدان و فرزندان و
احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و ولات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین
ابدالاباد استوار باشد فصل سیم اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشته
که از تاریخ این عهدنامه همیونه هر عهد و شرطی که با هر یک از دولتهای فرنگ بسته‌اند
باطل سازند و لشکر فرنگستان را رخصه و متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف مملکت هندوستان
و بسمت بنادر هند نخواهند داد فصل چهارم در صورتیکه لشکری از طوایف فرنگ
بمملکت ایران آمده در صورتیکه باید پادشاه والاجاه انگلستان قشون و تدارک اسباب
یا در عوض آن وجه نقد و توپ و تفنگ و معلم و عمله بقدری که صلاح دولتین باشد بجهت
شهریار سپهر اقتدار ایران بفرستند و در دفع و رفع ایشان باید بکمال اهتمام اقدام
نماید و بعد از تعیین قشون یا مبلغ وجه نقد که مقدار آن در کارگزاران و اسباب آن قرار داد

که در

که در عهدنامه مفصل مشخص و معین خواهد شد و اگر چنانچه بنای مصالحه فیمابین طوایف
فرنگ که با دولت علیه ایران نزاع و جنگ دارند و اولیای دولت بهیه انگلیس
اتفاق افتد پادشاه والاجاه ممالک انگلستان بکمال سعی و دقت در اهتمام نمایند که
فیمابین ایران و طوایف مزبور رفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع شود و اگر احیاناً
این سعی بجائی نرسد شاه والاجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده و در عهدنامه مفصل
تشخیص و تعیین داده خواهد شد قشون و لشکر یا وجه نقد و اسباب بکومک
ایران بدهد و این اعانت و کومک را مادام که جنگ فیمابین ایران
و طوایف باشد داده باشد تا هنگامی که رفع جدال نشود و طوایف با اولیای دولت
ایران صلح ننمایند مضایقه در دادن کومک ننماید و هرگاه افاغنه هندوستان را
با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از
اینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت انگلیس اعانت
و امداد نمایند قرار دیگر در عهدنامه مفصل مشخص و معین خواهد شد فصل پنجم اگر از

سرحد هندوستان قشون و لشکر وارد بحر العجم شده باشد و قبل از اذن و رخصت
اولیای دولت ایران در جزیره خارک یا جای دیگر از سرحد عمان نزول کرده باشند
بهیچ وجه جبراً دخل و تصرف در آنجا نکرده و از تاریخ عهدنامه میمونه قشون مذکوره
در تحت اختیار اولیای دولت ایران باشد اگر عالیجاه رفیع‌جایگاه جلالت و نبالت
پناه حشمت و شوکت دستگاه فرمانفرمای هندوستان قشون مزبور را برای حراست حدود
هندوستان ضرور داشته باشد و اولیای دولت علیه ایران خواهند برای امداد خود همان
قشون را نگاه دارند و اگر نخواهند رد به هندوستان نمایند و در عوض قشون بطریقیکه
سبق ذکر یافت و در عهدنامه مفصل مشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات بدهند تا از آنجا
بازیافت نماید فصل سیم اگر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیره
خارک یا جای دیگر از سرحد عمان توقف نماید باید از جانب کارگذاران دولت
ایران کمال شفقت و مهربانی نسبت بآن بعمل آید و بحکام بنادر فارس
قدغن نمایند که هر قدر سیورسات و آذوقه برای قشون مذکور ضرور و در کار باشد

برای

بنرخ و تسعیر عادلانه وقت بآن فروخته قیمت بازیافت نمایند فصل هفتم اگر
جنگ و نزاعی فیمابین دولت ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را
در آن میانه کاری نیست و بهیچ طرف اعانت و امداد نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش
طرفین واسطه صلح گردند فصل هشتم این عهدنامه مجمله میمونه برسم و معنی عهد محافظه مرقوم
و در ضمن العهد شرط رفت که مادامیکه این عهد جاوید برسوم و شروط مقرره مفصله بین
الدولتین برقرار است اولیای دولت در آن مدت ایران عهد و شرطی که مخالف
دولت انگلیس و باعث اهانت و اضرار ایشان در حدود هندوستان نشود با هیچیک از
طوایف فرنگ ننمایند امید که این عهد همایون خجسته تا ابد پاینده و این میمونه
میثاق اولیای هر دو دولت مهین و فواید آثار گردد ما که وکلا هستیم برای استحکام
این عهدنامه مبارکه میمونه را دستخط و مهر کرده‌ایم بتاریخ دوازدهم ماه مارچ
هزار و هشتصد و نه عیسویه مطابق بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۴ من الهجرة المصطفویه

صورت عهدنامه که با دولت روس توسط ینارال رتیشوف نوشته شد

اعلیحضرت قضا قدرت خورشید آیت پادشاه جمجاه و امپراطور عالیجاه مالک بالاستقلال
کل ممالک امپریه اروسیه و اعلیحضرت قدر قدرت خورشید رایت گردون رفعت
پادشاه اعظم سلیمان جاه مالک بالاستقلال ممالک کل ممالک شاهانه ایران بملاحظه کمال
مهربانی و اتفاق علیتین که در ماده ۱۲۴۱ درعایای متعلقین دار نهر رفع و دفع
عداوت و دشمنی که برعکس رای شوکت آرای ذات ایشان طالب و باستقرار مراتب
مصالحه میمونه و دوستی جواریت سابقه موکده را در بین طرفین راغب
میباشند با حسن الوجوه رای علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیک و
مستصوبه از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم امپراطور بالاستقلال
کل ممالک اروسیه ریهاوه معتمد ملکیه جنرال لیمبانه اردوی سپهسالاری
و مدبر عساکر سکینن جواهب قفقاز لینیه و گرجستان ناظم امور دولتخانه
شهریه و ولایت غوبرنیا ی گرجستان و قفقاز لینیه و حاجی ترخان
و کارهای تمامی قشون در سرحدات این حدود و پاسبان امر فرمای

ملکی

عساکر سفاین بحر خضر صاحب حمایل الکسنه روسی و نکیان مرتبه
اولین امانی مرتبه دار رابع عسکریه مقدس زیحضرت کیورکی صاحب
شمشیر طلا المرقوم بجهة رشادت و بهادری سیکولای ردلیموف اختیار
ملکی اعطا شده اعلیحضرت قضا قدرت و والا رتبت پادشاه اعظم مالک
بالاستقلال کل ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت
ایران که ماموریتین روم و انگلیس بود زبدة الامراء و الاعیان مقرب
درگاه ذیشان و محرم اسرار نهان و مشیر اکثر امور دولت علیه
ایران ازفا نواده دودمان وزارت و از امرای وثقات حضور در مرتبه
دویم آن شوکت صاحب حمایل خاص پادشاهی از خنجر و شمشیر و کارد مرصع
و انتقال ملبوس ترمه و یراق مرصع السیرزا ابو الحسن خان را در این کار مختار
مایکبی نموده اند حال در معسکر روسیه در دهنه رود زیوه در محال گلستان متعلقه
قراباغ ملاقات و جمعیت نموده و بعد از ابراز و مبادله تمسک ماموریت و اختیار

وکلای خود یکدیگر را ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان معظم قرار
و بموجب اختیارنامجات طرفین قیود و فصول شروط مرقومه ذیل را الی ابد مقبول
و منصوب و مستمر داشته‌ایم فصل اول بعد ازین امور جنگ و عداوت و دشمنی
که تا حال در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بود بموجب این عهدنامه الی ابد
متروک و مقطوع و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدید در بین اعلیحضرت
خورشید رتبت شاهنشاه والاجاه و شوکت امپراطور اکرم ممالک روسیه و اعلیحضرت
قدرقدرت پادشاه اعظم ممالک ایران و وراث و ولیعهدان عظام و میانه دولتین
علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود فصل دویم چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی
طرفین قبول و رضا در بین دولتین علیتین شده است که مراتب مصالحه در بنای استاطوسکوو
اوپرزندیم یعنی در طرفین در هر وضع و حالی که الی قرارداد مصالحه الی الان بوده است
از قرار باقی و تمامی الکاها و ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت ضبط و تصرف
هر یک از دولتین بوده کما کان در ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتین

علیتین روسیه و ایران بموجب خط مرقومه ذیل سنور و سرحدات مستقر و
تعیین گردیده از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط راست از راه صحرای موغان
تا معبر یدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رودخانه
کپنک چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان
از بالای کوههای آلاگز به ایلکر میرسد و در [illegible] سرحدات قراباغ و نخجوان و ایروان
و نیز ربعی از سنور گنجه جمع و متصل گردیده است بعد از آن حدود مزبوره که ولایات
ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدینلو را تا مکان ایشک میدان تشخیص و
منفصل میسازد و از ایشک میدان نیز از بالای سر کوههای طرف راست طرق و
رودخانهای حمزه چمن و از سر کوههای پنبک الی گوشه حدود محال شوره گل و از گوشه
شوره گل از بالای کوه برف دار آلاگز گذشته از سرحد محال شوره گل و میانه حدود
قریه سدره و رودخانه آرپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون
ولایات خان نشین طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده

لهذا بجهة زیاده صدق و راستی حدود ولایت طالش مزبور را از جانب
انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلحنامه در نزد پادشاهان عظام معتمدان
و مهندسان مأموره که بموجب قبول و وفاق یکدیگر و معرف سرداران
جانبین جبال و رودخانه‌ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً تحدید و تمیز
و تشخیص مینمایند آنرا نیز معلوم و تعیین شده آنچه در حال تحریر این صلحنامه در
در تحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده آن وقت خط حدود ولایت طالش
بر اساس خط کسکرود سرحد هم مستقر و معین شده هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارا
بر سر آنها خواهند بود و همچنین در سرحدات مزبوره فوق اگر چیزی از خط مذکور بیرون
باشد معتمدان و مهندسان مأمور طرفین بهر یک طرف موافق اساس خط مذکور و سرحد هم
رضا خواهند داد فصل سیم اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک الاستقلال
ممالک ایران بجهة ثبوت دوستی و وفاقی که باعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه
اعظم امپراطور ممالک روسیه دارند باین صلحنامه بعوض خود و ولیعهدان تخت

سلطنت

شاهانه ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن موسوم بالیسابطپول
و الکای خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و بادکوبه و هر جا از ولایات
طالش را با جائی که الان در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان
و گرجستان و محال شوره‌گل و آچوق باش و گوریه و منگریل و ابخاز و تمامی الکا
و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه در اراضی
و اهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق بممالک امپراطوری
روسیه میدانند فصل چهارم اعلیحضرت خورشید رایت امپراطور والاشوکت
ممالک روسیه برای اظهار دوستی و یکجهتی خود نسبت باعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم
ممالک ایران و بجهة اثبات این معنی بنابر همجواری طالب و راغب است در
ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکید مشاهده و ملاحظه
نماید لهذا از خود و عوض ولیعهدان عظام اقرار مینمایند هر یک از فرزندان
عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت و امداد

از دولت روسیه بهیچ مضایقه ننمایند تا از خارج نتواند کسی ضرر در مملکت ایران
نماید و بامداد و اعانت دولت روس دولت ایران مستقر و مستحکم گردد و اگر در سر امور
داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان منازعتی روی نماید دولت روسیه را در آن میانه
کاری نیست تا شاه وقت خواهش نماید فصل هشتم کشتیهای دولت روسیه که برای
معاملات بر روی دریای خزر تردد مینمایند بدستور سابق مأذون خواهند بود که
بر سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و در زمان طوفان و شکست کشتی
از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت بآنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم
بدستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند و بهمین نحو در هنگام
طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول
گردد و در خصوص کشتیهای عسکریه روسیه بطوریکه در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی
دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده‌اند حال هم محض اذن داده میشود که بدستور سابق
معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته

باشند

باشند فصل نهم تمامی اسرائی که در جنگها گرفتار شده‌اند یا آنکه از اهالی طرفین اسیر
شده‌اند از کرستیان و هر مذهب دیگر باشند باید الی وعده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خط
گذاردن در این عهدنامه از طرفین رد کرده هر یک را از جانبین خرج راه داده
داده بقراکلیسا رسانند و وکلای سرحدات طرفین بموجب نشری که اعلام میکنند در خصوص فرستادن
اینها بجای معین یکدیگر را خبر مینمایند اسرای جانبین را بازیافت خواهند کرد و آنانی که بسبب
تقصیر یا بخواهش خود از مملکتین فرار نموده‌اند اذن است که هر کس برضا و رغبت خود اراده
داشته باشد آزادی داده شود که بوطن خود مراجعت نماید و هر کس از هر قوم چه اسرا و چه فراری که خواسته
باشد نیاید کسی را با او کاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا
خواهد شد فصل دهم علاوه از اظهار و اقرار مزبوره دولا رای پادشاهان اعلیحضرت
کیوان رفعت امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ایران قرار دادند
که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانه دارالسلطنه جانبین میشوند بر دستور
سابق و بطوریکه از دولتین مخصوص حالت در باب معاملات در بلاد مناسبه

طرفین تعیین و تمکین کرده‌اند زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت و ایشان
با عذر شایسته مورد مراعات کرده‌اند باحوال ایشان بهیچگونه زحمت نرسیده بلکه بیشتر
که بر رعایای طرفین عاید گردد موجب حفظ و اظهار دلگرمی مزبور جناب تجدید آن
جانبین داده شود فصل هشتم در باب آنکه چون قدیم در باب معاملات در
میان ممالک طرفین علتین اذن داده شود که هر کس از اهالی تجار بخصوص دولت
اینکه در دست رعایا و از باب معاهدات متعلقه دولت بهیه روسیه و یا تجار متعلق
دولت علیه ایران بهیچ‌وجه از دولت خود یا سرحدداران تذکره دلگاغذ را در
دست داشته باشد از طریق بحر و بر بجانب ممالک این دو دولت بروند تردد
آینه و هر کس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته با امور معامله و تجارت مشغول باشد
در زمان مراجعت اینها بوطن خود از ده تعیین مانع ایشان نشوند و آنچه مال و تنخواه او را از ممالک
ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از ولایات ایران بممالک روسیه برده بمعرض بیع
برسانند و یا معاوضه مال و اشیاء دیگر نمایند و در میانه از باب معاملات طرفین بخصوص

طلب

طلب و غیره شکوه و ادعا باشند بموجب عادت و قانون بنزد وکلای طرفین یا اگر کنسول نباشد
نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صدق مراتب
ادعای آنها را تفحص و معلوم کرده خود یا بمعرفت دیگران قطع و فصل کار را ساخته نگذارند
تعرض و زحمتی در باب معاملات عاید شود از جانب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک
ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگر با اموال و تنخواه خودشان بجانب ممالک سایر دولت
که دوست ایشان می‌باشند بروند از طرف دولت ایران بهیچ‌وجه مذکرات را با ایشان
بر آنها و همچنین از طرف دولت روس نیز در ماده تجار دولت ایران که از خاک
ممالک روسیه بجانب سایر ممالک دولتانه که دوست روسیه باشند متعمد خواهند گذشت و تعلیق در
رعایای دولت روسیه در زمان توقف بتجارت در ممالک ایران فوت شود اموال
و املاک او در ایران بماند چون تعلق او از مال رعایای دولت دوست است اموال او
اموال متوفا بموجب قبض الوصل شرعی رد و تسلیم ورثه متوفا کرده و نیز اذن
خواهند که املاک متوفا را اقوام او بفروشند چنانکه همین در میان ممالک روسیه و

پادشاهان دیگر دستور و عادت بوده متعلق به دولت بهیه مضایقه ننمایند فصل نهم
باج و گمرک اموال تجار طرف دولت روسیه که به بنادر و بلاد ایران آورند از
در یک تومان پانصد دینار در یک بلده گرفته در آنجا اموال مزبوره به هر ولایت
ایران برند هر چیزی مطالبه نکرده و همچنین از اموال که از ممالک ایران بیرون آورند
آنقدر گرفته بغیر از این به عنوان خرج و توجیه و تحمیل و خراجات چیزی از تجار روسیه بهانه
و اشتلم ننمود و بهمین نحو که در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر ممالک روسیه
می‌آورند و یا بیرون می‌برند گرفته اختلاف بهیچ وجه نداشته باشد فصل دهم بعد از نقل اموال
تجار به بنادر و یا آوردن از راه خشکی به بلاد سرحدات دولتین اذن و اختیار به تجار
و ارباب معاملات طرفین داده شود که اموال خودشان را فروخته اموال دیگر خریده
و یا معاوضه کرده دیگر از امنای گمرک و مستأجرین طرفین اذن نخواسته باشند زیرا که بر
ذمه امنای گمرک و مستأجرین لازم است که ملاحظه نمایند تا معطل در کار در باب معامله و تجارت
ننموده باج خزانه را از بایع یا از مشتری هر نحو با هم سازش نمایند بازیافت دارند

فصل

فصل یازدهم بعد از تصدیق و خط گذاردن در این شروط‌نامه وکلای مختار دولتین
علیتین بلاتأخیر به اطراف جانبین اعلام و خبر رسانیده و امر اکید بخصوص ترک
و قطع فوری عداوت و دشمنی به هر جا ارسال خواهند کرد و این شروط‌نامه که بخصوص
استدامت مصالحه دائمیه دولتین مستور و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی تحریر یافته از
وکلای مختار مأمورین دولتین علیتین مزبوره و الا تصدیق و بخط و مهر مختوم گردیده
مبادله با یکدیگر شده است می‌باید از طرف اعلیحضرت امپراطور شوکت‌شأن اعظم امپراطور
اکرم مالک‌الممالک ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه سلیمان
دستگاه شاهنشاه ممالک ایران بخط شریف ایشان تصدیق گردد و چنین
این صلحنامه مشروحه مصدق در هر دو دولت باید به وکلای مختار دولتین برسد از دولتین
علیتین در مدت سه ماه ها وصول گردد تحریراً در معسکر روسیه در رودخانه زیوه
من محال گلستان قراباغ بتاریخ ۲۹ شهر شوال ۱۲۲۸ هجریه و ۱۲ اوکتبر ۱۸۱۳ عیسویه

صورت احتجاجی که باسترایس ایلچی دولت انگلیس نسبت به ...

ما را این حال یا آن که ایلچیان دولت بهیه انگلتره و تعهدات حسن ترتیب یافته
در لزوم مسترد قرار دادی معلوم است حجت است حجت ارکان بنای این حجت همان
عهدنامه مبارکه مجمله و مفصله است بیان این نحو راهنمون ملتفتیم که ما دولتیه صلح حقیقتاً
واقع نمود با دولت بهیه انگلتره از عهده مسترد قرار دادی برآمده این صلح مجمل را
با روسیه حقیقتاً مشروط با استرداد ولایات ایلچی بتای روسیه رد نموده است غائله نامه
مفصله در میان است ما ایلچی باز کرده در عهدنامه مفصله است نمود حقیقت صلح منتفی است
و ما منتهی آمده مسترد است ما تکلیف این امر مبهم و ما محقق است خواهیم بود که ما برای تمشیر که
مصالحه ما با روسیه مشروط با استرداد ولایات است و هنوز با تمام رسیده است
همان کاغذهای ایلچی بزرگ ثمانات و محبی [illegible] و صیحادرا نوشته است که تا عهدنامه
مفصله رسیده مسترد را از عهده برآید ولایات واضح بر عهد تحقیق مصالحه اتمام آن
و این سخن شما که حجت مسترد بردن ایلچی به مقابر دولت برای ما که ایلچیان جدید ایم
حجت نیست اگر فرضاً مسلم باشد جواب این سخن ما نمی‌شود الا که حجت ایلچی مطالبه مسترد از ما

بلکه

نمیکنیم بلکه تکلیف شما حالا هم همین دو عهدنامه مجمله و مفصله مسترد را مطالبه نمائیم و حجت ایلچی
در دلیر کاغذهای دور ساله عهد تحقیق شما کجمع تمام آن قرار داده ایم حجت دیگر
بنای این حجت ما بر سخنان ایلچی بزرگ ثمانات ایلچی بزرگ دولت انگلتره را
مراتب اظهار نامه پادشاه و سخنان مطلق و کیلان دولت بهیه در طی دلالت کلیه
در تیمن عهد ما یافته ایم و نامه مبارکه پادشاه و کاغذهای وزرای دولت که
در دست هست بر اثبات ما رو عظم شان و وکالت مطلقه او دلیل واضح تمیز
با همه ایران و روس و صاحبان شما که در این نهج نمودند این است که در سال گذشته
هیچ راه مصالحه با روسیه نبود بلکه در جنگ اصرار زیاده داشتیم ایلچی شما ما را به مصالحه دعوت
صلح و مصر ترک جنگ شده و سخن او این بود که دولت انگلتره خواهان این صلح است
و این صلح را برای دولت خود و دولت ایران انفع میدانند ما این صلح را قبول
کنید و در قید قرار و مدار استرداد ولایات باشد در عهدنامه مجمله نیامده
و خاطر جمع داریم که مقصود اصلی و شرط کلی مصالحه که استرداد ولایات است به توسط دولت

انگلتره بعد خواهد آمد کاغذها را هم بر همین نسق نوشته است و از آنجا دولت انگلیس
در راستی عهد و درستی قول مسلم و مشهور عالم است سفیر ایلچی بزرگ هم بکلی چنانچه از شاه
فلک جاه و هم امنای دولت و وزرای بزرگ بنحوی که دولت انگلیس تعهد داده قبول مصالحه
مشروط کردیم خاک هرات و افغانها را بدست دولتخواهان ایلچی بزرگ از دولت انگلیس
بچنین صلحی به سرانجام اقبال و اقدام نمی‌نمودیم و بکلی همین کاغذها که از ایلچی در دست
داریم استرداد ولایت و تمام مصالحه را از دولت انگلتره میخواهیم و تا ولایت
استرداد نشود و عهدنامه مفصل بالقوه ایلچی بزرگ از جانب دولت با قرار داده است
با تمام نرسیده او را مطالبه مینمائیم حجت سوم در این حجت قطع نظر از تفصیلهای
گذشته میگوئیم و همین میگوئیم ما از ایلچی بزرگ از دولت بکلی چنانچه مقام
پادشاه فلک جاه به اسناد حجت صریحی در دست داریم که تا عهدنامه مفصل نرسیده او را
در عهده برایه انصاف دولت انگلتره را از بیشتر میدانیم حجت ایلچی بزرگ را
که در حقیقت حجت دولت است انکار نمائیم که مال ایلچیان معتمدان دولت بهیه

و بکلی

و بکلی چنانچه از نامه کتبی بیانات یکجهتی دولتین چاپ شده مراتب مرقومه انصاف انجام داده
ما را به آن علاوه آن که ایلچیان معتمد دولت بهیه انگلتره اند در باب معلمین انگلیس تنخواه
این است که به تهدید بر تسخیر هرات که نظم امور دولت جانب نظام دولت علیه ایران
در این سالها بقا نموده دولت بهیه انگلیس متعلم گشته و همراه معلمین انگلیس متوجه
تعلیم ایشان میشوند و اگر در این وقت معلمین انگلیس ترک تعلیم ایشان نمایند شیرازه نظام
مختل خواهد شد و زحمت نظام رسته و مزد ارتش که در تجدید نسق به ایران نظام رسیده است
ضایع و باطل خواهد بود و لیکن هم و بکلی دولت و اعدا است در حقیقت انقلاب آن دولت
میرسد و انقلاب تعهد دارد و لکن نتیجه تا این است که در خلاف بوده از خلاف قانون معلمین
انگلیس اقدام بجنگ با روس کرد ... کشته شده است که در آن ایام نظام
و اصلاً اتفاق افتاد که غیرت فطری معلمین انگلیس تاب تحمل نیاورد و بعضی
خود با چنانچه بکلی کار سر دادن این دولت علیه اقدام بکار جنگ کرده بودند نامه
نزاع مستطاب و بعهده دولت علیه که به دولت انگلیس مرقوم شده در این باب شرح

نگاشته شد ان شاء الله تعالی بعد از اینگونه امور رو نخواهد داد و اهتمام و اتفاق
زیاده در انتظام این مهام خواهد بود و یقین است که بنیانهای منافقه از قرار معلوم
نخواهند نمود و بنقصان خسارت دولتین علیتین راضی نخواهند شد
صورت عهدنامه که با دولت انگلیس در دفعه ثانی نوشته در شهر ذی الحجه مرقوم شده
اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه
فیروز هر عهد و شرطی که هر یک از دول فرنگستان با دولت بهیه انگلتره در حالت
دشمنی باشند باطل دانسته قطع خواهند کرد و لشکر سپاه طوایف فرنگیان را از حدود
مملکت ایران راه عبور به اطراف هندوستان و سمت بنادر هند ندهند و اهالی ایران
طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت انگلتره باشند نگذارند که داخل مملکت ایران
شوند و اگر طوایف مزبور خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند
و غیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و حکام آن
آن ممالک را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره از راه خود از راه

نهند

راه ندهند و کومک و امداد بخواهش طرفین واسطه صلح خواهد شد فصل هشتم
اگر از روسای ایران کسی خواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایات انگلیس نماید
بمحض اشارت امنای دولت ایران انگلیس او را از ولایت مزبوره بیرون کنند و اگر بیرون
نرود او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن انگلیس بولایت مزبور
اشارت از امنای دولت ایران در باب او بعمل آید و هرگاه انگلیس او را رخصت فرود آمدن
و بعد از رخصت انگلیس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و همچنین معلوم است که از
جانب دولتین شرایط این عهد استقرار پذیرفته فصل نهم اگر در جنگ دولت ایران را امداد
ضرور شود دولت بهیه انگلیس بشرط امکان از بنادر آنوقت کشتی جنگی و قشون هند
و اهل جهاز آن را اعلام آنوقت و کمک مزبور بران جزایر و لنگرگاه ها
عبور کند که امنای دولت ایران جای دیگر رخصت ضرور حمل عبور نمایند که
وکلای حضرتین علیتین پادشاهی این عهدنامه مفصله که سابقا فیمابین دولتین علیتین بفصول کانه
نگارش یافته حال بتغییرات چند که منافی دولتین میبود و باصلاح حضرتین منتسب بود در فصول

یازده گانه تقریر و تعیین یافته دستخط و مهر کرده شد بتاریخ دوازدهم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۲۹

هجریه مصطفویه علیه و آله السلام و التحیه مطابق بیست و پنجم ماه [illegible] سنه ۱۸۱۳ عیسوی علی نبینا و علیه السلام

در اردوی همایون [illegible] اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ذیجاه امپراطور اکرم شوکت دستگاه مالک

بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت جمشید دارا پادشاه

اعظم [illegible] اقتدار ممالک ایران [illegible] دستگاه

[illegible]

[illegible]

[illegible] ممالک روسیه

[illegible]

[illegible] مرتبه [illegible]

حمایلات الکسندر [illegible] مقدس مرصع الماس و [illegible] مقدس مرتبه اول مرصع الماس و [illegible]

مقدس مرتبه اول و [illegible] مقدس مرتبه [illegible] و صاحب [illegible] شمشیر [illegible] و [illegible]

مرصع بالماس و صاحب حمایلات [illegible] مرتبه اولی عقاب سیاه پروسیه [illegible]

[illegible] و جناب الکسندر را و [illegible]

[illegible] و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث و [illegible]

مرتبه [illegible] اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران

نواب مستطاب [illegible] نایب السلطنه عباس میرزا را

و کلای مختار [illegible]

[illegible] تعیین

و قرار داد [illegible] اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه

و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] و ممالک [illegible] ایران

[illegible] و دوام [illegible] واقع خواهد [illegible] چون [illegible]

[illegible] که فیما بین [illegible] رفیع الارکان [illegible] منعقد گردیده

عهود و شروطی را که موجب [illegible] گلستان [illegible] لازم [illegible] توقف [illegible]

میداشت لهذا اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
چنین لایق دیدند که بجای عهدنامه مزبوره گلستان عهدنامه دیگر باین شروط دائمی قرار دهند که
باین ملاحظات روس و ایران اشتراکاً بیشتر موجب استقرار روابط آتیه صلح و مودت گردد
فصل سیم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان
دولت روسیه را ملک خاص ممالک نخجوان و ایروان را خواه باینطرف رود ارس باشد
یا آنطرف [illegible] اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند که [illegible] این عهدنامه
در مدت شش ماه [illegible] که متعلق [illegible]
[illegible] مملکت
بموجب خط سرحد [illegible] از نقطه سرحد ممالک عثمانی که [illegible] خط مستقیم بقله کوه آغری کوچک
[illegible] از این خط تا بقله آن کوه و [illegible] از آنجا تا بسرچشمه رودخانه [illegible]
پائین که از سراشیب جنوبی آغری کوچک جاری است فرود آمده متابعت مجرای این رودخانه
تا بالتقای آن رود با ارس در مقابل شرور ممتد میشود چون این خط باین جا رسید متابعت مجرای

الی

ارس تا بقلعه عباس آباد میرود و در دور استحکامات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست
ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه ورس و نیم روسی است
رسم میشود و باین نصف قطر در همه اطراف امتداد مییابد همه اراضی و چمنها که در این نصف قطر
محاط و محدود گردد بالانفراد متعلق بروسیه خواهد بود و از تاریخ امروز در مدت دو ماه با صحت
تمام معین و مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائی که طرف شرقی این نصف قطر متصل
بارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس [illegible] ممالک ایران
بطول مجرای ارس امتداد [illegible] که [illegible] ورس
روسی بعد از وصول این خط [illegible] مجرای رودخانه
[illegible] که در [illegible] ازیت [illegible] تر از التقای
رودخانه [illegible] سیم [illegible] این خط [illegible] تا بالتقای
رودخانهای [illegible] آدینه بازار [illegible] کنار راست رودخانه آدینه بازار
شرقی بمنبع رودخانه و از آنجا تا باوج [illegible] جمیع آبهائی که جاری بجر

حرز بشود متعلق به روسیه خواهد بود و هم ابهائیکه سرازیر و مجاری آنها به جانب ایران است
تعلق به ایران خواهد داشت چون سرحد دو مملکت اینجا به واسطه قلل جبال تعیین می‌یابد لهذا قرار
داده شد که شیبهائی که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه و طرف دیگر آنها به ایران متعلق باشد
از قلل بلندیهای جلگه خط سرحد تا به قله کوه [illegible] کوهها [illegible] که طالش را از محال
ارشق منفصل میکند [illegible] جبال از جانبین مجاری میاه [illegible] لهذا در اینجا
نیز خط سرحد [illegible] مبنع
[illegible]
که [illegible]
برطبق همان ضابطه [illegible] مجاری [illegible]
سمت [illegible] جبال [illegible] روسیه خواهد [illegible]
سرحد [illegible] خط سرحد [illegible] جبال [illegible] عظیم که از
[illegible] رودخانه [illegible]

قرار

ضابطه در باب مجاری میاه از آنجا خط سرحد به متابعت مجرای این رودخانه
خواهد گذشت تا به ملتقای دهنه آن به بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات
روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل روس دارد
به این فصل از جانب خود و از جانب اخلاف و وراث سریر سلطنت ایران تمامی الکا
و اراضی و جزایری که در میانه خط سرحد [illegible] و اراضی کوه
قفقاز [illegible] که از آنجا
[illegible] متعلق به [illegible]
فصل ششم اعلیحضرت [illegible] ایران [illegible] مصارف کثیره که دولت
روسیه را از این جنگ واقع [illegible] اتفاق [illegible]
و [illegible] که بهمان جهت بر عهده دولت بهیه روسیه رسیده متعهد میشود که به واسطه
دادن مبلغ وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ [illegible] من الدولتین

ده کرور تومان رایج قرار گرفت که عبارت است از بیست میلیون منات نقره روس
و چگونگی وسعه و در ها این فصل این وجه در قرارداد علیحده که همان قوه
و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظاً بلفظ در این عهدنامه مصالحه مندرج است
معین خواهد شد فصل هفتم چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] و لایق دانسته
همایون فرزند خود شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث [illegible]
تعیین کرده است [illegible] تجارت و تمیز
صادقانه خود [illegible] اعلیحضرت پادشاه [illegible]
واضح [illegible] شاهزاده
عباس میرزا را ولیعهد و وارث [illegible] تاج و تخت ایران [illegible] از تاریخ جلوس
بتخت شاهی [illegible] استقلال و الاستحقاق [illegible] فصل هشتم سفاین تجارتی روس
مانند سابق استحقاق خواهد داشت که بآزادی بر دریای خزر و بطول سواحل آن سیر کرده
بکنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت

و همچنین کشتیهای تجارتی ایران را استحقاق خواهد بود که بقرار سابق در بحر خزر سیر کرده بسواحل
روس آمده و [illegible] و در آن سواحل در حال شکست کشتی بهمان نسبت استعانت
و امداد خواهند یافت و در باب کشتیهای جنگی که علمهای عسکریه روسیه دارند چون از قدیم
بالانفراد استحقاق داشته که در بحر خزر سیر نمایند لهذا همین حق مخصوص کماکان الی الحال
امروز [illegible] غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمیتواند
در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد فصل نهم [illegible] نظر اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه
و اعلیحضرت پادشاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اعزاز و احترام شوند و در این باب دستور العمل مخصوص و تشریفات قرار خواهند گرد که از طرفین
مرعی و ملحوظ گردد فصل دهم چون اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه

ممالک ایران استقرار و افزایش روابط تجارت را مابین دو دولت [illegible]

و همچنین فواید ملاحظه کرده‌اند که مادامیکه از جهت مصالحه و امنیت تبعه دو دولت [illegible]

که متضمن مراتب کامله معین نشده و در معاهده جداگانه که ما بین [illegible] ممالک

محروسه [illegible] علیحضرت پادشاه

ممالک ایران [illegible] که در هر حال

[illegible]

و حامیان تجارت [illegible]

[illegible]

و عده [illegible] و حامیان تجارت [illegible]

[illegible]

و حامیان تجارت [illegible] محققه [illegible] که در

دربار علیحضرت پادشاه ایران متوقف خواهد بود و این حامیان و کونسولها [illegible] در تحت

حلم

حلم او خواهند بود و از [illegible] داشته باشد که لایق دانند و از [illegible]

[illegible] رجوع خواهد کرد [illegible] بتبعه طرفین که [illegible]

[illegible] مصالحه [illegible] بتمام خواهد رسید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ممالک [illegible]

[illegible]

[illegible]

از آن [illegible] همین تبعه طرفین که [illegible] افتاده باشند از هر مدت که [illegible]

نوبت چهار ماه [illegible]

داده شد بعد از آن با جزئیات دولتین تا آنکه [illegible] چنانچه که در این ایام
تدارک فرستادن ایشان ولایت خود خواهند بود تعلیم شده دولتین علیتین معاهدتین در
باب همه اسرار جنگ و تهیه روس و ایران را با [illegible] ملکان را ارائه
آنچه لازم یافته اوضاع و اسباب [illegible] در [illegible] هم نوازد و لد
میکنند و هر وقت [illegible] اظهار [illegible]
کننده و [illegible] هر وقت [illegible]
قصد [illegible]
جنگ [illegible]
چنانچه که از [illegible] حصه [illegible]
حاضر [illegible] ملکیه که حضور [illegible]
با تمام [illegible] در تصرفات خود که [illegible]
و دریاچه ارومی و [illegible] قزل اوزن تا ملتقای ان [illegible] خزر

[illegible]

دادگان رخصت [illegible] اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب جمهور [illegible]
و مملکه ملکیه که در میان ایران از ولایت قراباغ و نخجوان و کل ملک [illegible]
حصه [illegible] که در کنار راست [illegible] واقعست اذن توطن و سکنی [illegible]
معلوم است که [illegible] در باب آنچه که صاحب [illegible]
و شان [illegible] بزرگ که [illegible]
و ملکانات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کنند [illegible] ممالک ایران [illegible]
[illegible] الکنون [illegible]
جنگ [illegible]

نیت انجام می‌پذیرد ذره‌ای ایشان دور که بعهد رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عموماً

شامل مرحمت میفرماید و هیچیک از ایشان بدون استثنا از مراتب و طبقات بجرم عملها

و فعلها و رفتارهای ایشان که در مدت جنگ یا در اوقات تصرف [illegible] قشون روسیه

از ایشان ناشی شده نباید توقیف شود [illegible] و نیز از امروز یکساله مهلت بایشان مرحمت

که بآزادی با عیال خود از ممالک ایران بممالک روس انتقال نمایند و اموال منقوله خود را نقل یا بیع

کنند بدون [illegible] مانع [illegible] از اموال و املاک غیر

منقوله [illegible] فروش [illegible] در باب [illegible] املاک ایشان [illegible]

موجب مقرر [illegible] که در [illegible] یکساله [illegible]

و از این عفو و بخشش مستثنی میشوند کسانیکه در مدت یکساله مذکور [illegible] تقصیری

ولکن [illegible] مستوجب عفو [illegible]

بعد از امضای این عهدنامه مصالحه فی الفور وکلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت

که بهمه جا دستورالعملها و حکمهای لازمه [illegible] که [illegible] خصومت را ترک نمایند

این عهد

این عهدنامه مصالحه که در دو نسخه یک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط وکلای جانبین

رسیده بمهر ایشان ممهور و ما بین ایشان مبادله شده است از جانب اعلیحضرت امپراطور

کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و تصدیق‌نامه‌های

متبادله که بدستخط مخصوص ایشان مرتسم خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد

ما بین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد شد تحریراً در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فبروال

سنه [illegible] مسیحیه که عبارت از [illegible] شعبان المعظم سنه [illegible] و تصدیق [illegible]

رسیده بامضای [illegible] خارجه [illegible] میرزا ابوالحسن خان [illegible]

فصل اول نظر بمضمون فصل چهارم عهدنامه که امروز منعقد گردیده اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران

[illegible] احتشام [illegible] در مدت [illegible] با [illegible]

[illegible] روسیه است و [illegible] بموجب فصل چهارم عهدنامه [illegible]

شده است و [illegible] افعال خصمانه صادر [illegible] از جانب این عهدنامه [illegible]

بتصرف عساکر ایران درآمده است از قشون خود تخلیه کرده بمأمورین روس که بهمین جهت [illegible]

و نتیجه خواهند شد تقسیم نامه تا زمان توقیف ولایت مذکوره وکلای روسیه و دولت ایران

بدقت متوجه خواهند شد که هیچگونه تعدی و ظلمی باهالی آن ولایت و اموال آنها معمول

نشود و حفظ ولایت از هر گونه خلاف ضابطه و نظام [illegible] اتفاق

نیفتد در فصل [illegible] فصل ششم عهدنامه

امروزه که موجب اتفاق [illegible] حضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] متعهد

شده اند که [illegible] ده کرور

تومان رایج که [illegible]

مقرر گشته است که [illegible]

مذکوره [illegible]

روز [illegible] وصول [illegible]

شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری [illegible] ایران

مزبوره روسیه [illegible] کشته [illegible]

صدر

صدور سنه ۱۲۴۳ هست سیم بموجب عهدنامه اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه بجهت ارسال

صحیح و کامل وجه خسارت مذکوره رهن بهمه مابین دولتین علیتین معاهدتین

قرار داده که [illegible] تومان تمامی ولایت آذربایجان در تصرف عساکر

روسیه [illegible] حکومت متعارفه که

اهالی [illegible]

و روی [illegible]

[illegible]

[illegible] سنه ۱۲۴۳ [illegible]

[illegible] هجری [illegible] که تمام ولایت آذربایجان

[illegible] حضرت امپراطور ممالک روسیه مطلقا

[illegible]

[illegible] در آن معین کنند و در باب [illegible] که برد

دیگر در داد در آنوقت دولت روس و صلحنامه باب عالی معلوم است که هم مطالبه

و استرداد برای نفع او میباشد اما در این صورت دولت ایران نزد دولت روس ملزم

در تعهدات عهدیه بری الذمه خواهد بود بلکه معلوم است که [illegible] ایران

در زمین سرکرده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

موافق [illegible]

[illegible]

[illegible]

از خود [illegible]

ماًمور

ماًمور خواهند بود فوراً استرداد آن خواهند نمود [illegible]

[illegible]

مقرر گشته [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حاکم ایران [illegible]

برای تنقیص خطا سرحدی که بواسطه فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده بود خواهیم
و کذلک برای ترتیب نقشه صحیح در اغلب نقشه بهم ما شرین رسیده تحقیق و تقویم
کردستان و نقشه دیگر در کمال مشابهت بصحیح نواب مستطاب اشرف سلطان عباس میرزا
عوض جواهر [illegible]
خواهیم [illegible] این فصل [illegible] تکمیل عهدنامه امروزه تشخیص یافته
[illegible]

بوده شهر دار [illegible] لهذا این تقصیر قرار داد کرده که رعایا و اتباع روس که هرگاه
متعارفه در دولت داشته باشند در همه ممالک ایران میتوانند تجارت کنند و کذلک
بمملکتهای مجاوره دولت مذکوره میتوانند رفت و بهمین نسبت اهالی ایران
[illegible] ایران بمملکت روس
میتوانند [illegible]
[illegible]

میکند نزد گمرکخانه روسیه و حاکم ولایت و در جائی که گمرکخانه نباشد نزد حاکم ولایت

ثبت میشود تا آنکه احکام فقره هیچ الطرفین برای قطع و عبور بر طبق عهدنامه تجارت و تعهدات

تا زمانی که [illegible]

[illegible]

قوانین مالکی تجارت سالیانه مرعی خواهد بود تقدیم [illegible] تجارت تبعه جانبین منافع [illegible]

علاقه عالیه شروط سابق [illegible] گشته است محقق و مستحکم نمایند قرار داده شد که از هر گونه [illegible]

که تبعه دولتین روس و ایران [illegible]

[illegible]

لهذا به تبعه روس در ایران اذن داده میشود که خانه برای سکنی و انبار و دکاکین برای وضع

امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقات دولت ایران با تجار

در انبارها و دکاکینها [illegible] در وقت [illegible] و دیگر [illegible] نگذارد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ایران با حاکم در جایی که انها باشند بزرگ و لایت مجرم را بواسطه از ایلچی یا و کیل یا کونسول نیز

در نزد و بهر کدام که باشد مطالبه میکنند تا جاری عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی بر [illegible]

و تقصیر متهم را ثابت کنند ایلچی یا کونسول یا و کیل در دادن او [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دولتین انگلیس و روسیه به فصل هشتم قرارداد ... الان که بهای بزرگی که در میان خوارزم ...
روسیه واقع شود تحقیق قطع و فقدان مطلق در این راه بجای دولتین انگلیس و روسیه خواهد
بود ولی انگلیس شرحیه که ایشان ... [illegible]
[illegible]

ملزم گشته فقرات صریح حالیه شود مجرم را به دولتین انگلیس و روسیه تسلیم نمایند که برای
اجرای سیاست که در قوانین مقرر است به مملکت روسیه فرستاده شود ثالثاً ...
[illegible]

چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شوند بعد از آنکه بر طبق فصل نهم عهدنامه عهده امروزه

برای تشریفات شایسته بپذیرفتن ایلچیان و وکلا و کارگذاران که مع لوازم بدربار (?)

جانبین تعیین بشود [illegible] قرار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دالکه [illegible] لایق [illegible] ایلچی را در هر سال استقبال خواهد [illegible] رئیس

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ایلچی باشد ملکت که شاهزاده که عالمیان شهرت برای خویش آمده و تهنیت ایلچی

وزیر خود سوی ملاقات ایلچی خواهد فرستاد و ایلچی از شاهزاده که [illegible] ایلچی وجه

[illegible] برای ایلچی حاضر خواهد

[illegible]

[illegible] تازه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خواهند کرد و پس از اعلام خاص اعلیحضرت پادشاهی خواهد رفت و ایلچی [illegible]
در ساعت مقرر آمده او را اعلام خواهند کرد برای پذیرفتن او همه آماده [illegible]
در این صورت ایلچی با کمال ترتیب روانه شده [illegible] و دسته ایلچی [illegible]
راه میرود [illegible] اول با نوکرهای پیاده ایلچی [illegible] ایشان میروند [illegible]
اسب [illegible]
پیش و در راه [illegible]
در جانب [illegible]
دسته [illegible] ایلچی [illegible] نوکران پیاده [illegible]
با [illegible] که در [illegible]
برای ایلچی [illegible] خواهد بود [illegible]
داشت [illegible] ایلچی [illegible]
پادشاه خواهد [illegible]

پادشاه

پادشاه چند لحظه در یکجا آرام خواهد گرفت و در این حال ایلچی با همراهان خود [illegible]
با [illegible] بمحوطه عمارت پادشاهی [illegible] خواهد [illegible] اول [illegible] نوکرهای پیاده [illegible]
در [illegible] بعد از [illegible] ایلچی را با اعلیحضرت پادشاهی [illegible]
او را [illegible] ایلچی [illegible]
رفتار [illegible] ایلچی [illegible]
[illegible] ایلچی [illegible]
[illegible]
عرض [illegible] ایلچی [illegible]
بعد از [illegible] ایلچی [illegible]
[illegible] بعد از این [illegible] ایلچی [illegible]
[illegible] برای [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] در مرتبه [illegible]

خواهند بود و اصحاب ایشان در بعد [illegible] کمتر ده مستغنی برای ایشان بیرون نمی آمد
دهمان عسکری کرد در قرار اول [illegible] برای ایشان پیش فلک خواهند کرد و وزیر اعظم اعلیحضرت
پادشاهی اولا [illegible] ایشان نخواهد رفت [illegible] کشف [illegible] بعد [illegible] ثانیا نخواهد
[illegible]
پادشاه [illegible] دولت روس
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] میرزا ابو الحسن خان [illegible]
صدور [illegible] نامه [illegible] تجارت [illegible]

چون بمحض الطاف خداوند [illegible] و [illegible] از روز [illegible] عهد [illegible] و [illegible]
با چنین [illegible] دولت قوی [illegible] ایران و انگلیس مرتب و ممهد گشته روز بروز سلاطین [illegible]
[illegible] معدلت [illegible] دولت [illegible] و [illegible] فصول [illegible]
[illegible] متعلقات ممالکین [illegible] متمتع [illegible] تجارت [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] تا اکنون [illegible]
[illegible] سال
[illegible] خسرو اعظم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وزیر [illegible] اعلیحضرت کیوان [illegible]
[illegible] الحال [illegible]

شوکته جناب جلالت و نبالت نصاب محبت و درایت انتساب عمدة الوزراء العظمیه

زبدة الکبراء الفخام میرزا ابو الحسن خان وزیر امور خارجه معتمد و ... و وکلای

مختار البهیه عهدنامه تجارت را در ضمن این فصل منعقد و ... الحقیه ملحق نمودند

و چون این فصل دولتین همواره منظور شود متعلقات طرفین را و ... مرعی کنند

فصل اول تجارت دولتین علیتین بالسویه ... در حق ... اشتغال ... خود را

ممالک محروسه ... و در ... از بلاد دیگر ... مبالغه ... و ... تسعیر ... باو ...

و ... در ... دیگر ... که از تجار ... تنها ... در ... مملکت ... ک ل

التجاره کرفته ... تجارت تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و در زمان ... بعد

از تجارت تنها ... دولت ... التجاره ... تجار تبعه طرفین

مطالبه ... دیگر ... از تجار دولتین در ممالک ... طرفین ... مطالبه

خواهد شد و تجار و متعلقان و منتسبان طرفین در ولایات دولتین تبعه ... تجار

کافه الرداد ... انها ... رعایت و حمایت و احترام بهره یاب خواهند کرد ...

چون برای رفاه حال تجار جانبین لازم است که از هر دو طرف وکیل التجاره باشد

مشخص و معین شود لهذا قرار داده شد که ده نفر وکیل التجاره از جانب ... ایران

در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز اقامت داشته باشند فقط مشروط بر اینکه

در دار السلطنه تبریز مقیم خواهد بود ... افراد بخصایص جنرال قونسول را ... در ... و حرمت

سالهات که ... از دولت بهیه انگلیس ... دار ... شد ... و ...

... بهیه انگلیس ... در ... اقامت ... و ...

وکیل التجاره از جانب ... علیه ایران در دار الخلافه لندن و در بندر ...

... همان ... و اختیارات که وکیل التجاره دولت بهیه انگلیس در مملکت ایران

... خواهد بود این عهدنامه تجارت ... و ... تجارت ... ثبت

... در دار الخلافه طهران بتاریخ ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۶ هجری مطابق با ماه اکتوبر

سنه ۱۸۲۱ عیسوی بخط ... محتوم و مرقوم نمودیم